

تحلیل و ارزیابی ابعاد و شاخص‌های فقر مسکن روستایی

با استفاده از روش کوپراس

(مورد مطالعه: استان‌های غربی کشور)

حامد قادرمرزی* و افشین بهمنی**

نوع مقاله: علمی پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۱۸	تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۵	شماره صفحه: ۱۶۹-۱۳۳
------------------------	-------------------------	-----------------------	---------------------

مسکن روستایی عینیتی سازمان‌یافته از فعالیت‌های اقتصادی و مناسبات اجتماعی است که هرگونه دخل و تصرف در این ساختار کالبدی، مستلزم مدنظر قرار دادن وجوه مختلف زیستی از جمله معیشت، سکونت و پایداری است. خانه‌های کنونی واقع در سکونتگاه‌های روستایی از ابعاد گوناگون، با فقر و محرومیت مواجه بوده و پرداختن به مسئله فقر مسکن روستایی بدون لحاظ کردن رویکرد چندبُعدی میسر نخواهد بود. در این راستا پژوهش حاضر با در نظر گرفتن پنج معیار کمبود مسکن، تراکم خانوار در واحد مسکونی، استحکام سازه‌های مالکیت و مساحت زیربنا، هدفی با عنوان ارزیابی وضعیت فقر چندبُعدی مسکن روستایی را دنبال می‌کند. از این رو ۶ استان غربی کشور (کردستان، کرمانشاه، ایلام، همدان، لرستان و زنجان) به عنوان جامعه آماری انتخاب شد و با اتکا به داده‌های آماری و منابع رسمی از طریق شاخص‌های نسبت سرشمار فقر و نسبت شکاف فقر؛ درجه فقر مسکن روستایی سنجیده شد. تحقیق از نوع کاربردی و ماهیت آن توصیفی - تحلیلی است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها علاوه بر روش شاخص یاد شده، از روش رتبه‌بندی کوپراس و روش وزن دهی تخصیص نقطه‌ای استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان داد که به رغم پدیدار شدن فقر مسکن در مناطق روستایی استان‌های غربی کشور، درجه فقر از وسعت و شدت متفاوتی برخوردار است، به طوری که به لحاظ فقر موجودی مسکن و فقر زیربنایی (مساحت)، به ترتیب استان‌های همدان و کردستان با بیشترین میزان فقر مواجه بوده‌اند، از جنبه‌های فقر تراکمی، فقر سازه‌ای و فقر مالکیتی نیز به ترتیب استان‌های همدان، کردستان و کرمانشاه بیشترین میزان فقر مسکن روستایی را داشته‌اند. همچنین نتایج رتبه‌بندی کوپراس نشان داد که در مجموع، استان‌های کردستان، کرمانشاه، لرستان، همدان، زنجان و ایلام به ترتیب بیشترین تا کمترین درجه فقر مسکن روستایی را داشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: فقر؛ فقر مسکن؛ روش کوپراس؛ وزن دهی تخصیص نقطه‌ای

*استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی؛ Email: Ghadermarzi@khu.ac.ir
** دانش‌آموخته دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛

Email: Afshin.bahmani@ut.ac.ir

مقدمه

از گذشته تاکنون پدیده فقر به عنوان معضلی چندوجهی در سرتاسر جهان به شیوه‌های مختلف گریبانگیر سکونتگاه‌های انسانی بوده و به تناسب شرایط اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، طبیعی و سیاسی هر محدوده جغرافیایی، به انحای پیچیده و چندبعدی پدیدار می‌شود. با توجه به اهمیت کاهش فقر در تحقق اهداف توسعه پایدار کشورها و افزایش سطح رفاه اجتماعی جوامع (بهرامیان و اله‌کرمی، ۱۳۹۷: ۱۹۵)، استراتژی‌های محرومیت‌زدایی و کاهش فقر جوامع به یکی از مهمترین اولویت‌ها در عرصه ملی و بین‌المللی تبدیل شده است. اگرچه توزیع فضایی فقر در جوامع شهری و روستایی نمایان است، اما شرایط متفاوت مناطق روستایی از جمله پایین بودن سطح درآمدها، اقتصاد آسیب‌پذیر و دسترسی محدود به امکانات و خدمات زیربنایی موجب شده که زندگی بیشتر فقراى جهان (۷۵ درصد)، منتهی به جوامع روستایی شود (ياسورى و امامى، ۱۳۹۷: ۹۷؛ 29: 2015, Andres and Hardy). بنابراین می‌توان گفت که پدیده فقر به‌طور گسترده یک مسئله روستایی به شمار می‌رود. فقر می‌تواند گسترده، چندبعدی، ذهنی و متغیر در طول زمان؛ شامل قابلیت‌ها و رفاه باشد (ياسورى و امامى، ۱۳۹۷: ۹۶). یکی از ابعاد فیزیکی فقر روستایی، فقر مسکن است (Whitener, 2002: 75) که امروزه در سطح جهان به یک وضعیت هشداردهنده تبدیل شده است (Sengupta, 2010: 27).

پدیده فقر مسکن فقط یک موضوع تک‌بعدی نیست، بلکه طیف وسیعی از ناامنی و محرومیت در حوزه مسکن را شامل می‌شود که اغلب در نواحی روستایی کشورهای در حال توسعه پدیدار می‌شود. فقر مسکن که محرومیت و تبعیض را در جوامع گسترش داده، در مقابل مسکن مناسب یا پایدار قرار می‌گیرد که برای ساکنین انگیزه پیشرفت مهیا می‌کند (88: 2015, Gibb and et al.). مسکن می‌تواند به دلایلی از جمله افزایش سهم آن از سبد هزینه ماهانه خانوار باعث پدید آمدن فقر و تشدید تبعات آن شود و از سوی دیگر می‌تواند به عنوان یک دارایی و سرمایه مادی قلمداد شده و مالکیت آن موجب کاهش فقر در جامعه شود (56: 2013, Tunstall and et al.). بنابراین بین مسکن و پدیده فقر رابطه دوسویه و متقابل وجود دارد و با سیاستگذاری مطلوب در این زمینه می‌توان رابطه دوسویه بین

بدمسکنی و فقر درآمدی را تعدیل کرد (Jules, 2015: 6). اهمیت مسکن به عنوان نیاز اولیه بشر به حدی است که بر تمامی جنبه های زیستی انسان تأثیرگذار بوده و نوعی حریم خصوصی و امنیت را در برابر نفوذ از دو وجه فیزیکی و عاطفی فراهم می کند و به عنوان محل اصلی زندگی فردی و خانوادگی انسان قلمداد می شود.

ملاک تعیین فقر مسکن، منوط به حداقل هایی است که به عنوان الزامات ضروری یک خانه قابل سکونت مطرح شده و از آن به عنوان خط فقر مسکن یاد می شود. اما باید توجه داشت که فقر مسکن پدیده ای تک بعدی نبوده و شاخص هایی از جمله امنیت واحد مسکونی (شیروانیان و بخشوده، ۱۳۹۱: ۴)، ناامنی انرژی (Thomson and Thomas, 2015: 16)، شاخص تراکم واحد مسکونی، طراحی سیستم فاضلاب و برخورداری از زیرساخت های اساسی (اطهاری، ۱۳۸۴) از مهمترین ملاک های تعیین فقر مسکن به شمار آمده و براساس رویکرد چند بعدی فقر مسکن، خانوارهایی دچار فقر مسکن هستند که حداقل در یکی از شاخص های مسکن دچار محدودیت باشند (Whitener, 2002: 45). ناامنی در ابعاد مختلف مسکن موجب تشدید فقر در سایر جنبه های زیستی خواهد شد (گردآبی، ۱۳۹۶: ۱۴). باید گفت علاوه بر اینکه معضل فقر مسکن پدیده ای چندوجهی است، مسئله فقر به طور عام نیز از ابعاد گوناگونی برخوردار بوده و فقر مسکن به عنوان زیرشاخه ای از پدیده وسیع فقر، بر سایر ابعاد فقر در معنای کلی تأثیر گذاشته و موجب تشدید جنبه های فقر خواهد شد. تراکم بیش از حد و نامتعارف در واحد مسکونی علاوه بر اینکه موجب پدیدار شدن ناهنجاری ها و معضلات رفتاری ناشی از اختلاط و سکونت چند خانواری در یک واحد مسکونی می شود، موجب کاهش راندمان یادگیری فرزندان و افت موقعیت تحصیلی آنها خواهد شد که به نوعی در گسترش فقر آموزشی تأثیر می گذارد.

براساس آمار بانک جهانی، بیش از یک میلیارد نفر در سراسر جهان فاقد مسکن مناسب هستند (دربان آستانه و سادات بشیری، ۱۳۹۶: ۱۲۰) به طوری که در جنوب شرق آسیا از هر چهار نفر، یک نفر در شرایط بدمسکنی قرار دارد. ماهیت، کالبد و عملکردی که از مسکن در نواحی روستایی انتظار می رود متفاوت و فراتر از نقشی است که برای آن در سکونتگاه های شهری تعریف شده است. از این رو ابعاد و معیارهای تعیین خط فقر مسکن نیز در نواحی روستایی و شهری با هم متفاوت خواهد بود.

فقر مسکن روستایی اغلب نتیجه دو نوع تصمیم‌گیری است؛ بخشی از آن به اقدامات ساکنین و بخشی مربوط به سیاست‌های دولتی در قالب طرح‌های توسعه مسکن روستایی است. استفاده از مصالح نامرغوب و بی‌دوام به همراه ساخت‌وساز در حریم رودخانه‌ها و موقعیت‌های حادثه‌آفرین، نتیجه اقدامات شخصی بوده و طرح‌ریزی برای ساخت مساکن جدید در نواحی روستایی توسط نهادهای مرتبط دولتی نیز به واسطه کاهش سطح زیربنای واحدهای مسکونی، کاهش یا حذف فضاهای معیشتی به نوعی اقتصاد و معیشت خانوار روستایی را تحت تأثیر قرار خواهد داد. بنابراین می‌توان گفت امروزه وضعیت مسکن در نواحی روستایی به دور تسلسل فقر منتهی شده زیرا از یک سو بخش قابل توجهی از مسکن روستایی از دوام و استحکام لازم در برابر مخاطرات طبیعی برخوردار نبوده و از سوی دیگر تصمیمات دولتی در حوزه مسکن؛ متناسب با نیاز، ماهیت و عملکرد خانه‌های روستایی نیست که این مسئله باعث تشدید فقر و اختلال در فعالیت‌های اقتصادی خانوارهای روستایی شده است (Nuzha, 2018: 248; Reem, Ahmed and Ayat, 2018: 139).

مسکن روستایی به نوعی دچار تله فضایی شده و ساکنین نیز در تله فقر محصور شده‌اند. می‌توان گفت مساکن روستایی هر یک دارای فضاهای مولدی هستند که در خدمت تولید و معیشت خانوارهاست (قادرمرزی و بهمنی، ۱۳۹۷: ۲۰). حذف فضاهای با کارکرد معیشتی، یکی از جنبه‌های پدیدار شدن فقر تدریجی در مساکن روستایی است. آسیب‌پذیری خانه‌های روستایی در برابر مخاطرات و غیرمقاوم بودن مصالح مورد استفاده و همچنین تراکم چندخانواری در واحد مسکونی (اطهاری، ۱۳۸۴: ۵)، بالا بودن سهم هزینه مسکن در سبد هزینه خانوار (شریف‌زاده و خسروجردی، ۱۳۸۹: ۲۱۷)، پایین بودن کیفیت بهداشت مسکن به لحاظ برخورداری از امکانات حمام، توالت و آشپزخانه، پایین بودن ضریب امنیت اجتماعی و عدم حفظ قاعده اشرافیت از مهمترین جنبه‌های فقر مسکن در نواحی روستایی به شمار می‌رود. بنابراین خط فقر مسکن، درجه زیست‌پذیری خانه‌های روستایی و میزان بهره‌مندی از حداقل‌های سکونتی را بیان می‌کند.

فقر مسکن روستایی در ایران از جهات مختلف قابل بررسی است. تراکم چندخانواری در واحد مسکونی و به تبع آن، کمبود واحد مسکونی، حداقل برخورداری از زیرساخت‌های

اساسی و انشعابات ضروری، فرسودگی و عدم دوام سازه‌ای، مسکن قولنامه‌ای و بدون سند مالکیت، کاهش سطح زیربنا و حذف فضاهای معیشتی و ضعف در امکانات بهداشتی از جمله حمام و توالت استاندارد، عدم بهره‌مندی از سوخت متعارف و قابل استفاده در خانه‌ها از جمله مواردی است که به نوعی ناامنی و محرومیت از مسکن مناسب در روستاهای ایران را در پی دارد. مسکن روستایی به‌ویژه در استان‌های غربی کشور (کردستان، کرمانشاه، ایلام، لرستان، همدان و زنجان) از نوع معماری و عملکرد زیستی - معیشتی خاصی برخوردارند. فرسودگی و آسیب‌پذیری این مسکن در مقابل مخاطرات طبیعی طی سال‌های اخیر، فقر مسکن را به‌ویژه از بُعد کیفیت و استحکام سازه‌ای نمایان کرده است. بنابراین پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که خانه‌های روستایی استان‌های یاد شده به لحاظ ابعاد گوناگون فقر مسکن در چه وضعیتی قرار دارند؟ در این راستا به بررسی چارچوب مفهومی فقر مسکن و شناسایی معیارها و شاخص‌های ارزیابی آن پرداخته می‌شود.

۱. ادبیات موضوع و مبانی نظری

فقر به مثابه معضلی پیچیده و چندوجهی مبین عملکرد نادرست سازوکار توزیع درآمد و ثروت در درون ساختار اجتماعی - اقتصادی جوامع است که نمود آن در فضا عینیت می‌یابد (علوی، شاکری منصور و گروسی، ۱۳۹۷: ۱۸۲). برخی افراد علل پدیدار شدن فقر را؛ پایین بودن سطح درآمدی و عدم دسترسی به غذای کافی دانسته و برخی آن را ناتوانی در تأمین نیازهای اولیه یعنی غذا، پوشاک و مسکن حداقل می‌دانند (Srinivasan, 2000: 55). اما باید گفت تعاریف ارائه شده در رابطه با فقر، جامع نبوده و هرگونه محرومیت یا نابرابری از قابلیت‌ها، فرصت‌ها و منابع موجود به فقر منتهی می‌شود، بنابراین می‌توان گفت فقر، محرومیت از قابلیت‌های اساسی، حقوق بشر، آزادی انتخاب و فرصت‌های برابر است (بسحاق، تقدیسی و تقوایی، ۱۳۹۶: ۱۳۴). کودول و همکاران (۲۰۰۲) معتقدند که فقر تنها به مصرف یا درآمد ناکافی مربوط نمی‌شود، بلکه ابعادی دیگر نظیر بهداشت، تغذیه، بی‌سوادی، نداشتن روابط اجتماعی، ناامنی، اعتماد به نفس پایین و نداشتن قدرت را

در برمی‌گیرد (Coudoul, Hentschel and Wodon, 2002). به طور کلی فقر به لحاظ ماهیتی به دو شیوه قابل بیان است؛ اول محروم بودن افراد از دسترسی به نیازهای اساسی یا به عبارتی، عدم بهره‌مندی از حداقل‌های زیستی که فقر مطلق قلمداد می‌شود و دوم نابرابری در برخورداری‌هاست که جنبه قراردادی داشته و در سطحی فراتر از قابلیت‌های ضروری قرار دارد، این نوع محرومیت بیانگر فقر نسبی است (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۶: ۴۸).

مسکن به‌عنوان مبدأ و مقصد زندگی انسان و تصویری از بستر و زندگی روزمره روستایی (موسی‌پور، ۱۳۹۷: ۴) از وجوه تأثیرگذار نیازهای اساسی بوده و عدم بهره‌مندی از آن تا سطحی که به استانداردهای قابل قبول زیستی مربوط می‌شود، فقر مطلق خواهد بود. در تحقیق حاضر، مفهوم مطلق فقر مسکن در رابطه با دارا بودن مالکیت شخصی و مفهوم نسبی به معنای نابرابری و محرومیت از جنبه‌های گوناگون رفاهی مدنظر است. فقر مسکن روستایی می‌تواند گسترده، چندبعدی، ذهنی و متغیر در طول زمان، شامل قابلیت‌ها و رفاه باشد (یاسوری و امامی، ۱۳۹۷: ۹۷؛ Benevenuto and Caulfeild, 2019: 115). همچنین می‌توان گفت یکی از ابعاد فیزیکی فقر روستایی، فقر مسکن است که امروزه در سطح جهان به یک وضعیت هشداردهنده تبدیل شده است (Sengupta, 2010: 44). بین مسکن و پدیده فقر، رابطه دوسویه‌ای وجود دارد؛ بدمسکنی متأثر از فقر درآمدی بوده و همسویی فقر درآمدی با فقر مسکن، موجب تشدید فقر در سایر ابعاد زندگی خواهد شد. به همین دلیل، فقر به‌عنوان یکی از مهمترین نگرانی‌های سیاستگذاران قلمداد می‌شود و به‌طور مستقیم سطح رفاه جمعیت را تحت تأثیر تبعات منفی خود قرار می‌دهد (Nakabashi, 2018: 445). دسترسی نداشتن به آب آشامیدنی سالم، سوخت مصرفی غیراستاندارد، مصالح غیرمقاوم و نداشتن مالکیت خانه از ابعاد فقر مسکن در نواحی روستایی به‌شمار می‌رود (Alkire, Roche and Vaz, 2017: 233). با توجه به کیفیت مطلوب برخی جنبه‌های مسکن شهری، می‌توان با انتقال این استانداردها به‌ویژه در زمینه شهرسازی و مقاوم‌سازی مساکن با در نظر گرفتن شرایط بومی و ابعاد معیشتی خانه‌های روستایی به کاهش فقر چندبعدی مسکن در مناطق روستایی اقدام کرد (Arouri, Youssef and Nguyen, 2017: 254). همچنین بازسازی فضایی عناصر کالبدی روستاها و اسکان مجدد روستاییان در مساکن برخوردار از حداقل استاندارد های زیستی، موجب کاهش فقر سکونتی و سایر جنبه‌های فقر خواهد شد (Lo, Xue and Wang, 2016: 497).

در اجلاس جهانی اسکان بشر که در سال ۱۹۹۶ در استانبول ترکیه برگزار شد، مسکن مناسب به این صورت تعریف شده است؛ مسکن مناسب سرپناهی است که علاوه بر تأمین نیازهای روحی افراد، بایستی دارای ویژگی‌های فیزیکی، خدماتی و تسهیلاتی مناسب به این شرح باشد: آسایش مناسب، فضای کافی، دسترسی فیزیکی، امنیت مناسب، امنیت مالکیت، پایداری و دوام سازه‌ای، روشنایی، تهویه و سیستم گرمایشی مناسب، زیرساخت‌های اولیه از قبیل آبرسانی، بهداشت و کیفیت مناسب زیست‌محیطی، مکان مناسب و ایمنی به لحاظ مخاطرات طبیعی و انسانی که همه این موارد باید با توجه به توانایی مالی ساکنان موجود باشد. نبود هر یک از موارد یاد شده به نوعی فقر در مسکن قلمداد می‌شود (قادرمرزی و دیگران، ۱۳۹۲: ۹۹).

به دلیل چندبعدی بودن فقر در مناطق روستایی، به‌ویژه در زمینه‌های سوخت، آسیب‌پذیری فعالیت‌های اقتصادی، مسکن، بهداشت و درمان، آموزش، خدمات زیربنایی و ناامنی غذایی، سازمان‌ها و نهادهای مسئول فقرزدایی در نواحی روستایی نیز از تعدد و چندگانگی برخوردار بوده و تداخل وظایف، عدم هماهنگی سازمانی و موازی‌کاری به‌ویژه در کشورهای توسعه‌نیافته بر دامنه محرومیت و فقر روستایی افزوده است. مسکن روستایی از دیرباز دارای ماهیت چندکارکردی بوده و بخشی از اقتصاد و معیشت خانوار به واسطه وجود فضاهای موجود در خانه‌های روستایی تداوم می‌یابد. حذف فضاهایی از جمله محل نگهداری دام، محل نگهداری علوفه، انبار محصولات کشاورزی، محل تولید صنایع دستی و محل تولید و عرضه محصولات لبنی در مسکن جدید روستایی که اغلب متأثر از سیاست‌های دولتی است، کارکرد اقتصادی مسکن را تحت تأثیر قرار داده و به نوعی فقر فضایی در مسکن جدید به وجود آمده که پیامدهایی از جمله فقر درآمدی برای روستاییان را به دنبال خواهد داشت. نداشتن بیمه مسکن، استفاده از مصالح بی‌دوام در ساخت واحد مسکونی، نداشتن سند مالکیت رسمی و برخوردار نبودن از سیستم فاضلاب بهداشتی، حمام، توالت و محرومیت از خدماتی از جمله آب، برق، گاز و تلفن ثابت به همراه تراکم بیش از حد در واحد مسکونی به دلیل زندگی چندخانواری و وسیع بودن بعد خانوار، بخشی از فقر مسکن را بازگو می‌کند. بخشی دیگر از فقر مسکن به ناامنی سوخت مربوط

می‌شود، عدم دسترسی به سوخت مناسب و استاندارد جهت گرمایش خانه و تأمین انرژی لازم برای پخت‌وپز به ناامنی در سوخت تبدیل شده که در نهایت به فقر مسکن می‌انجامد، زیرا در بسیاری از مناطق و کشورهای توسعه نیافته، فقر سوخت به ویژه در زمستان موجب مرگ و میر می‌شود (Burlinson, Giulietti and Battisti 2018: 68).

با توجه به شاخص‌ها و معیارهای مشخص، حداقل‌هایی به عنوان مسکن استاندارد در نظر گرفته می‌شود که خط فقر مسکن نامیده می‌شود. قرار گرفتن در سطحی پایین‌تر از استانداردهای تعیین شده در حوزه مسکن، فقر مسکن را در پی خواهد داشت. خط فقر مسکن را به دو شیوه می‌توان تعریف کرد: خط فقر مطلق که مربوط به حداقل‌هاست و در صورت عدم برخورداری از آنها، سلامت و ایمنی انسان در معرض تهدید قرار می‌گیرد و خط فقر نسبی که سطح آن در هر جامعه متفاوت بوده و بر ابعاد رفاهی خانوارها متمرکز است (نگهداری و دیگران، ۱۳۹۳: ۷-۶).

برای تبیین نظری فقر روستایی به طور عام و فقر مسکن به طور خاص، با دیدگاه‌های گوناگونی مواجه هستیم، در دیدگاه اقتصاد سیاسی، فقر روستایی نتیجه روندی است که ثروت و قدرت در دست گروه‌های خاصی متمرکز می‌شود. محیط‌شناسان طبیعی، دو عامل رشد جمعیت و فشار حاصل بر منابع طبیعی و زیست‌محیطی را عامل فقر روستایی می‌دانند. به نظر چمبرز، از نتایج مستقیم چنین فقری می‌بایست به شرایط نامساعد بهداشتی، مسکن نامناسب و فقدان تسهیلات بهداشتی اشاره کرد. در نظریات توسعه و قطب رشد، مسئله فقر مسکن امری گذرا و از ملزومات برنامه‌های توسعه شمرده می‌شود (شفاعت، ۱۳۸۵: ۱۰).

لئولورتی^۱ معتقد است افراد فاقد مسکن احساس می‌کنند که هویتی نداشته و شخصیت خود را از دست داده‌اند. رین واتر^۲ نیز معتقد است که سطح درآمدی افراد، ویژگی مسکن آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. افرادی که از درآمد پایین‌تری برخوردارند سعی می‌کنند در هزینه‌های مسکن خود صرفه‌جویی کنند تا مازاد پول را برای تأمین نیازها و منافع دیگر مصرف کنند (بیات، ۱۳۹۶: ۳۸). درثو (۱۳۷۴) تأکید می‌کند که مسکن روستایی از تحول مصون نیستند ولی از آنجاکه بروز هر نوع تغییری مستلزم سرمایه‌گذاری است و نیز شیوه

1. Leulorty
 2. Rinwatter

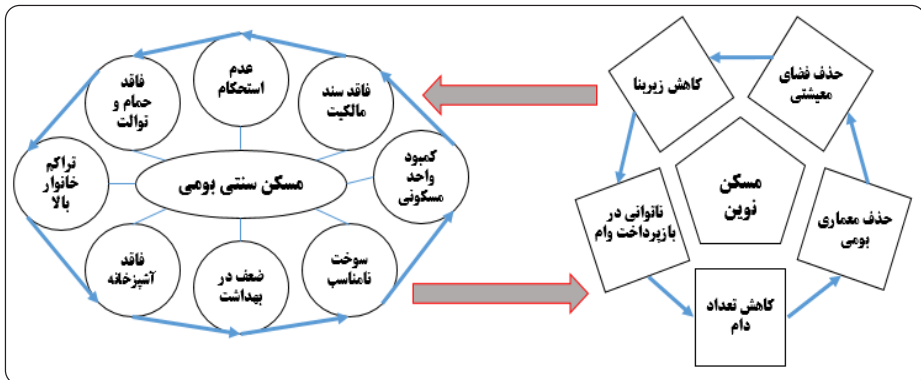
آرایش و معماری خانه‌ها ریشه در عادات و فرهنگ جامعه بهره‌بردار دارد، بنابراین دگرگونی در آن به تأنی صورت می‌گیرد و همین امر سبب می‌شود تا بروز تغییر در مسکن روستایی در مقایسه با تحولات اقتصادی جامعه با وقفه و درنگ همراه شود. جان ترنر^۱ معتقد است هنگامی که فقر مسکن ناشی از فعالیت‌های ساکنین باشد، بیش از هنگامی که حاصل فعالیت دیگران باشد قابل تحمل خواهد بود. سیاست‌های متداول توسعه مسکن روستایی که از سوی دولت‌ها اجرا می‌شود، جامعه مخاطب (روستاییان) را صرفاً مصرف‌کننده قلمداد می‌کند. ترنر پیشنهاد می‌کند نقش دولت‌ها به جای تصمیم‌گیری برای مردم، تبدیل به توانمندسازی روستاییان و مطابق با خواسته و نیاز آنها باشد (راهب، ۱۳۹۳: ۵).

اقتصاددانان؛ فقر مسکن را ناشی از عواملی همچون بی‌نظم، تنبلی، نبود یک کار باثبات، سطح درآمدی پایین و قرار گرفتن در میان خرده‌فرهنگ‌های خاص می‌دانند. اسمیت و مالتوس از نظریه‌پردازان دیدگاه اقتصادی مکتب کلاسیک، فقر مسکن را در نتیجه رشد سریع جمعیت، کاهش سطح درآمدها و رکود و سکون اقتصادی می‌دانند. از دیدگاه جغرافییدانان، فقر مسکن از دو عامل کلی ناشی می‌شود؛ اول فقر ناشی از طبیعت و دوم فقر ناشی از انسان و فعالیت‌های او. عدم دسترسی به مصالح مرغوب و آسیب‌پذیری مسکن در برابر بلایای طبیعی در نتیجه عامل اول و شیوه‌های غیراصولی ساخت‌وساز و بی‌توجه به استانداردهای مسکونی از سوی مردم و سیاستگذاران در نتیجه عامل دوم خواهد بود. امروزه فقر تنها به معنای مواجه بودن با چالش‌های اقتصادی و مسائل درآمدی نیست، فقر در سطوح مختلف دارای ابعاد پیچیده و چندوجهی است. استفاده از ابعاد چندگانه در تحلیل‌های فقر همیشه تعداد افرادی که فقیر تلقی می‌شوند را افزایش نمی‌دهد، بلکه این واقعیت را که اقشار فقیر از محرومیت چندگانه رنج می‌برند، برجسته می‌کند (نصیریان، ۱۳۸۷). به‌طور کلی ابعاد فقر شامل فقر درآمدی، فقر مسکن، فقر بهداشتی، فقر آموزشی، فقر غذایی و فقر حمل‌ونقل است (جاویدی، ۱۳۸۸: ۱۸؛ شیروانیان و بخشوده، ۱۳۹۱: ۲۷؛ حسن‌زاده، ۱۳۹۲: ۶۴) که اگر به‌طور جزئی‌تر به فقر مسکن نگاه کرد، ابعاد جدیدی از جمله فقر در برخورداری، فقر در

1. Turner

میزان امنیت، فقر در بهداشت خانه و فقر کالبدی (پایین بودن ضریب استحکام سازه‌ای) مطرح خواهد شد. هرگونه ساخت و ساز غیراصولی که منطبق بر استانداردهای فنی و ساختار اقتصادی - اجتماعی جامعه روستایی نباشد، دور تسلسل فقر را در پی خواهد داشت (شکل ۱).

شکل ۱. دور تسلسل فقر مسکن روستایی



مأخذ: یافته‌های پژوهش.

۱-۱. رویکردها به فقر مسکن

دو رویکرد در رابطه با فقر مسکن وجود دارد؛ رویکرد تک بُعدی و رویکرد چندبُعدی فقر مسکن روستایی. در رویکرد اول، نرخ فقر هر ویژگی با خط فقر مطلق خود سنجیده می‌شود و رویکرد دوم، فقر مسکن را مجموعه‌ای از شاخص‌های وابسته به آن می‌داند که محرومیت از هر کدام از معیارها فقر مسکن را در پی دارد. در این رویکرد، نرخ فقر با یک خط فقر تجمیع شده سنجیده می‌شود (سالم، ابونوری و عرب یارمحمدی ۱۳۹۷: ۱۴). در رابطه با فقر چندبُعدی نیز سه رویکرد وجود دارد؛ رویکرد اشتراکی، رویکرد اجماعی و رویکرد تمرکز ضعیف بر فقر.

رویکرد اشتراکی حالت افراطی در اندازه‌گیری فقر چندبُعدی مسکن است و این‌گونه بیان می‌کند که فرد زمانی دارای فقر چندبُعدی مسکونی است که در تمامی ویژگی‌های مورد بررسی فقیر باشد (Tsui, 2002: 24). یکی از ایراداتی که می‌توان به این رویکرد گرفت این است که وقتی تعداد ابعاد مورد بررسی مسکن افزایش می‌یابد، مجموع افراد فقیر کاهش خواهد یافت (Alkire and Foster, 2007: 33).

براساس رویکرد اجماعی، اگر فرد در یکی از ویژگی های مورد بررسی مسکن فقیر باشد، از لحاظ چندبعدی فقیر در نظر گرفته می شود. از ایرادات این رویکرد می توان به افزایش تعداد افراد فقیر به دلیل در نظر گرفتن ابعاد گوناگون فقر مسکن اشاره کرد. رویکرد تمرکز ضعیف بر فقر، یک موقعیت میانه مابین رویکرد اجماعی و اشتراکی است و جانشینی بین ویژگی های مورد بررسی را امکان پذیر می داند. این رویکرد شاخص فقر را به میزان دارا بودن افراد غیرفقیر از هر کدام از ویژگی ها مرتبط می کند و آثار متقابل مابین ویژگی های بالا و پایین آستانه فقر را در نظر می گیرد (حسن زاده، ۱۳۹۲: ۴۴). رویکرد غالب در تحقیق حاضر به صورت چندبعدی است زیرا به فقر مسکن از زوایای گوناگون می نگرد و به صورت جزئی تر با در نظر گرفتن رویکرد اجماعی، مسکنی را که مشمول یکی از جنبه های فقر باشند، فقیر می داند.

بررسی درجه فقر مسکن به واسطه معیارها و شاخص هایی صورت می گیرد که زیست پذیری واحدهای مسکونی را از زوایای مختلف می سنجند. بخش عمده این شاخص ها که در تعیین درجه فقر و محرومیت مسکن روستایی از اهمیت ویژه ای برخوردارند عبارتند از: کیفیت مصالح و میزان مقاومت مسکن در مقابل رخدادهای طبیعی، مساحت زیربنای خانه ها، تراکم خانوار در واحد مسکونی، نوع سوخت مورد استفاده، میزان برخورداری از امکانات و تجهیزات اساسی از جمله آب، برق، گاز و ...، نوع مالکیت مسکن و نسبت تعداد واحد مسکونی به تعداد خانوار یا کمبود مسکن (Gibb and et al., 2015; Tunstall and et al., 2013; Clarke, Morris and Williams, 2015, Stephens and et al., 2014، اطهاری، ۱۳۸۴؛ شیروانیان و بخشوده، ۱۳۹۱).

از لحاظ تاریخی، مطالعات علمی درباره فقر و مبارزه با آن به اواخر قرن نوزدهم بازمی گردد که تحقیقات بوث در سال ۱۸۹۷ و راونتری در سال ۱۹۰۱ در انگلستان نقطه شروعی برای این نوع پژوهش هاست. در ایران برای نخستین بار در اواسط دهه ۱۳۲۰ و با تأسیس وزارت کار در ایران، مطالعاتی در زمینه فقر انجام شد (غفاری و حق پرست، ۱۳۸۳: ۳۲). همچنین به لحاظ تجربی نیز مطالعات فقر مسکن در کشور از اوایل دهه ۱۳۸۰ با کار تحقیقی اطهاری آغاز شد و در سال های بعد در موارد محدودی به بررسی فقر مسکن در روستاها پرداخته شد. در ادامه به بررسی اجمالی نتایج برخی از این مطالعات پرداخته می شود.

بورلینسون و همکارانش (۲۰۱۸)، در تحقیقی به ارتباط سنجی بین فقر مسکن و فقر سوخت

پرداختند. آنها فقر سوخت را به عنوان بخشی از فقر مسکن برشمرده و معتقدند که فقر سوخت در مساکن روستایی به اشکال مختلف موجب افزایش ناامنی و تشدید فقر می شود. روستاییان از یک سو با بهره‌گیری از سوخت‌های غیراستاندارد، در جهت تأمین گرمایش خانه اقدام می‌کنند که امنیت جانی ساکنین را تهدید کرده و از سوی دیگر، قطع درختان جنگلی و استفاده از آن به عنوان هیزم، موجب فقر محیطی و ناامنی در طبیعت خواهد شد (Burlinson, Giulietti and Battisti, 2018).

اوسولیوان و همکاران نیز (۲۰۱۷) در پژوهشی با موضوع سرما، مسکن و فقر جوانان به این نتیجه رسیدند که بخشی از فقر مسکن مربوط به ضعف در زیرساخت‌های گرمایشی و مصالح نامرغوبی است که پوششی امن را به لحاظ در امان ماندن از شرایط قهری آب و هوایی برای ساکنان فراهم نمی‌کند. آنها به نقش و عملکرد ضعیف دولت در تأمین طرح‌ها و سیاستگذاری بهینه، جهت تأمین مسکن مناسب اذعان کرده‌اند (O'Sullivan and et al., 2017).

جولس (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین فقر و مسکن پرداخته و بر این عقیده است که تأمین مسکن پایدار و ارزان قیمت، روشی برای تقلیل افراد بی‌خانمان و کاهش فقر است. مسکن از یک سو به واسطه درآمدزایی و ارزش سرمایه‌ای ثابت می‌تواند موجب کاهش فقر و از سوی دیگر با افزایش سهم هزینه مسکن از کل هزینه‌های خانوار، باعث تشدید فقر شود. بنابراین بین مسکن و فقر ارتباطی دوسویه برقرار بوده و پیامدهای متفاوتی از ارتباط این دو حاصل می‌شود (Jules, 2015).

محمدی یگانه و همکاران (۱۳۹۶) به تحلیل وضعیت فقر مسکن خانوارهای روستایی در استان زنجان پرداختند. یافته‌های آنان نشان داده که فقر مسکن در نتیجه ناامنی در برخورداری از حق مالکیت شخصی، کاهش سطح زیربنای خانه‌ها و تغییر عملکرد مساکن روستایی از زیستی - معیشتی به عملکرد صرفاً زیستی به وجود آمده است.

بیات و همکاران (۱۳۹۵)، در بررسی آثار فقر مسکن در کیفیت زندگی خانوارهای روستایی شهرستان زنجان دریافتند که شرایط ابعاد بهداشتی، تسهیلاتی و رفاهی مربوط به فقر مسکن بیشتر از حد مورد انتظار بوده است. همچنین نتایج بیانگر آن بود که یک واحد تغییر در انحراف معیار فقر مسکن در ابعاد مختلف، دارای تأثیر مثبت در کیفیت زندگی خانوارها بوده و بیشترین تأثیر ابعاد فقر مسکن مربوط به بعد استحکام بنا بوده است.

شیروانیان و بخشوده (۱۳۹۱) نیز در بررسی فقر مسکن روستایی و استراتژی‌های مقابله با آن در ایران به این نتیجه رسیدند که بیش از ۹۰ درصد روستاهای کشور با فقر مسکن مواجه بوده و بیشترین پوشش فقر مسکن در جامعه روستایی مربوط به بعد امنیت و کمترین آن مربوط به بعد تراکم است. عمق و کیفیت فقر مسکن حاکم بر خانوارهای روستایی به‌گونه‌ای است که به‌طور متوسط این خانوارها از دسترسی به حدود دویستم شاخص‌های کیفی مسکن محروم هستند. بنابراین تأمین امنیت فیزیکی مسکن، بیمه واحد مسکونی، کاهش تراکم در واحدهای مسکونی و تأمین آب لوله‌کشی، مهمترین استراتژی‌های مقابله با فقر مسکن روستایی در ایران را تشکیل می‌دهند.

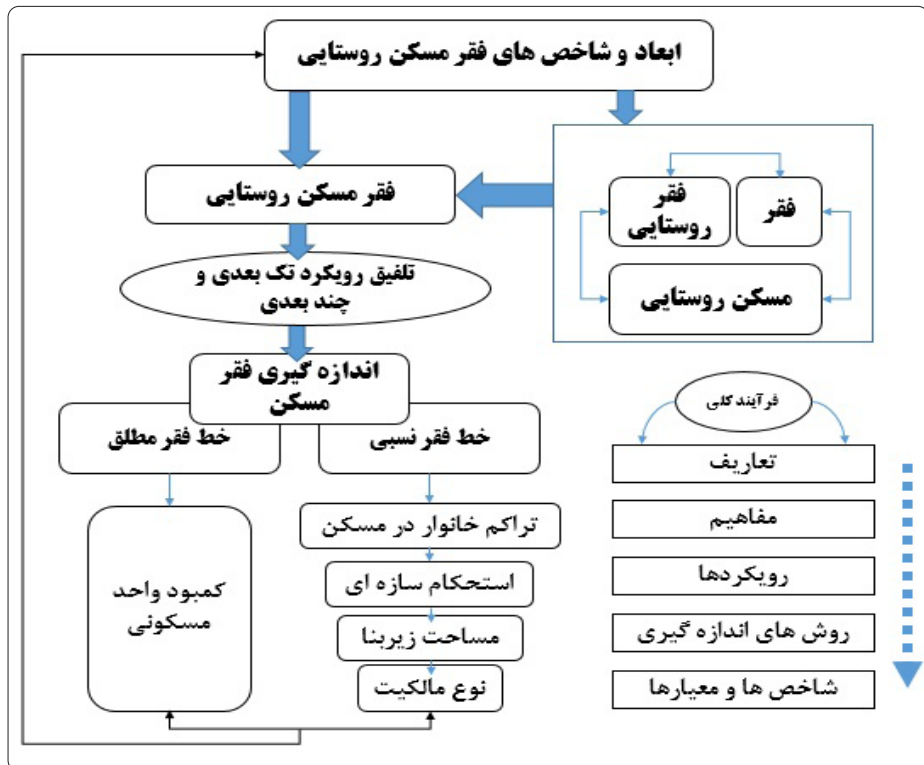
اطهراری (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان «فقر مسکن در ایران، فقر سیاست اجتماعی» به این نتیجه رسید که فقر مسکن در مناطق شهری و روستایی با هم متفاوت بوده و معیارهای اندازه‌گیری آن نیز متمایز از یکدیگر است. در مناطق شهری، فقر مسکن بیشتر به صورت اسکان غیررسمی جلوه می‌کند، اما در مناطق روستایی فقر مسکن ناشی از بی‌دوامی سازه و نوع مصالح ساختمانی و نیز تعداد اتاق است. از این رو ابعاد فقر در روستا فراتر از شهر و به‌طور خاص، فقر مسکن در آن نیز بیشتر است.

غفاری و حق‌پرست (۱۳۸۳) در پژوهشی با عنوان «نشانه‌های فقر در مناطق روستایی» به این نتیجه رسیدند که ضعف در زمینه‌هایی مانند مسکن، وسایل نقلیه، اشتغال، سطح زیر کشت، وابستگی به دولت، تقدیرگرایی و دسترسی به رسانه‌ها به‌عنوان جنبه‌های گوناگون فقر در مناطق روستایی مطرح است.

در جمع‌بندی تعاریف، نظریه‌ها، رویکردها و همچنین پیشینه مطالعات انجام شده در رابطه با فقر و به‌ویژه فقر مسکن روستایی می‌توان گفت، فقر مسکن به‌عنوان زیرشاخه‌ای از فقر روستایی، به لحاظ مفهومی از یک سو طیف وسیعی از مؤلفه‌های کمی و کیفی مسکن را دربرگرفته و از سوی دیگر جنبه‌های گوناگون آن ضمن تأثیرگذاری بر یکدیگر، زمینه‌ساز شرایطی خواهد بود که ساکنین را در تله فضایی فقر گرفتار می‌کند. فقر مسکن یکی از ابعاد چندگانه فقر است که برای اندازه‌گیری آن دو رویکرد مجزا وجود دارد؛ رویکرد خط فقر مطلق مسکن که به بهره‌مندی از مالکیت مسکن به‌عنوان یک نیاز اساسی می‌نگرد و رویکرد خط فقر نسبی که در مرتبه‌ای بالاتر از مالکیت قرار داشته و به نابرابری در برخورداری از برخی امکانات رفاهی

و زیربنایی توجه دارد. در تحقیق حاضر با توجه به ماهیت شاخص های بررسی فقر مسکن، تلفیقی از دو رویکرد مطلق و نسبی مدنظر قرار گرفته است. همچنین در تحقیق پیش رو با رویکرد اجماعی، استان هایی که سکونتگاه های روستایی آن با یکی از جنبه های فقر مسکن مواجه بوده، جزء استان های فقیر به شمار می آیند. برای اندازه گیری فقر مسکن روستایی، به دو شیوه تک بعدی و به ویژه چند بعدی توجه خواهد شد. معیارهای تعیین شده در زمینه اندازه گیری فقر مسکن که براینده نتیجه مطالعات پیشینه تحقیق و روش شناسی پژوهش هایی است که به طور ویژه به فقر مسکن پرداخته اند عبارت اند از: کمبود مسکن، مساحت زیربنا، استحکام سازه ای و مقاومت مصالح، نوع مالکیت و تراکم خانوار در واحد مسکونی.

شکل ۲. چارچوب مفهومی فقر مسکن روستایی



مأخذ: همان.

۲. روش شناسی

۲-۱. معرفی اجمالی منطقه مورد مطالعه

استان های غربی کشور بزرگترین عرصه های زیستی و قدیمی ترین سکونتگاه های روستایی کشور را در خود جای داده اند (مهدوی، ۱۳۸۷: ۸). سکونت اولیه در این مناطق در گذشته های دور، حالت روستانشینی داشته و شهرهای بزرگ واقع در این استان ها به نوعی پایه و اساس روستایی دارند. ۶ استان کردستان، کرمانشاه، لرستان، ایلام، همدان و زنجان به واسطه موقعیت ویژه جغرافیایی و شرایط توپوگرافی متمایز، طیفی از گونه های مختلف مراکز سکونتی روستایی را دربرمی گیرند که شیوه معماری مساکن آنها به میزان قابل توجهی، از توپوگرافی و اقلیم این مناطق متأثر است. بافت سکونتی روستاها اغلب مجتمع و در مناطق کوهپایه ای به صورت پلکانی است. در سال ۱۳۹۵ استان های یاد شده دارای ۷۹۲۰۱۵ خانوار روستایی بودند که در مجموع در ۷۰۱۶۸۲ واحد مسکونی استقرار داشته اند (مرکز آمار ایران^۱، ۱۳۹۵). نکته قابل توجه اینکه مسکن روستایی استان های غربی کشور، کارکرد زیستی - معیشتی داشته و بخش هایی از فضای خانه های روستایی، متناسب با معیشت دامداری، زراعت و باغداری به فعالیت های اقتصادی ساکنین اختصاص دارد.

۲-۲. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع کاربردی بوده که به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام شده است. از آنجاکه هدف تحقیق، بررسی فقر مسکن روستایی به صورت چندبعدی است، تعداد ۶ استان غربی کشور (کردستان، همدان، کرمانشاه، زنجان، ایلام و لرستان) به عنوان جامعه آماری انتخاب شدند. شیوه گردآوری داده ها غالباً به صورت اسنادی و با اتکا به داده های بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، مرکز آمار ایران، طرح جامع مسکن و سایر مطالعات انجام شده مرتبط با موضوع تحقیق است، اما داده هایی نیز به روش میدانی و به واسطه مشاهده و مصاحبه در برخی استان ها گردآوری شده است. در این راستا سکونتگاه های روستایی استان های یاد

۱. اطلاعات مربوط به تعداد خانوار و تعداد واحد مسکونی، بر مبنای سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ است.

شده به عنوان نمونه مورد بررسی قرار گرفتند. در تعیین حداقل‌ها و وزن دهی به شاخص‌های تحقیق، از نظرهای پانزده نفر از کارشناسان و صاحب نظران برنامه‌ریزی مسکن روستایی از جمله اساتید دانشگاه استفاده شد. به منظور تحلیل فقر مسکن روستایی، پنج شاخص کمبود مسکن، مساحت زیربنا، استحکام و کیفیت مصالح خانه‌ها، نوع مالکیت و تراکم خانوار در واحد مسکونی مدنظر قرار گرفت و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو روش آمار توصیفی و آمار استنباطی بهره گرفته شد. در بخش تحلیل استنباطی پژوهش ابتدا با توجه به معیارها، دو شاخص نسبت سرشمار فقر^۱ و نسبت شکاف فقر^۲ محاسبه شد. نسبت فقر مسکن در هر یک از شاخص‌ها به تفکیک مناطق روستایی استان‌ها بر مبنای دو شاخص یاد شده مورد محاسبه قرار گرفت. به منظور رتبه‌بندی و اولویت‌بندی استان‌ها به لحاظ درجه فقر مسکن روستایی نیز از روش رتبه‌بندی کوپراس^۳ و برای وزن دهی به معیارها از روش وزن دهی تخصیص نقطه‌ای استفاده شد.

۱-۲-۲. شاخص سرشماری فقر

شاخص سرشماری فقر که گاهی آن را نرخ فقر و نسبت سرشمار نیز می‌نامند، ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین شیوه اندازه‌گیری شدت فقر است و در عین حال، بسیار ملموس و قابل درک است. استفاده از نسبت سرشمار، تصویری ساده از میزان فقر را در جامعه نشان می‌دهد ولی در مورد عمق و شدت فقر چیزی بیان نمی‌کند (مهریار، ۱۳۷۳). این شاخص نسبت به انتقال درآمد بین فقرا و حتی بین فقرا و غیرفقرا حساس نیست. شاخص یاد شده نشان می‌دهد که چه نسبتی از افراد زیر خط فقر زندگی می‌کنند. اندازه این شاخص بین صفر و یک تغییر می‌کند و دلیل اصلی استفاده از آن این است که از نظر مفهومی ساده است. این شاخص به صورت نسبت افراد فقیر به کل جامعه تعریف شده است، به این ترتیب که اگر خط فقر را Z نشان دهیم و معیار رفاه را با X_i ، آنگاه شاخص نسبت افراد فقیر (H) را می‌توان به صورت زیر نوشت:

-
1. Head-Count Ratio Index (HI)
 2. Poverty Gap Index (PG)
 3. COPRAS

$$H = \frac{q}{N}$$

که در آن، q تعداد افراد فقیر و N تعداد کل افراد جامعه است. فرض کنید N تعداد افراد خانوار وجود دارد که درآمد خانوار نام برابر y نام است، اگر خط فقر با Z نشان داده شود، درآمد جامعه به صورت صعودی مرتب می شود و آنگاه داریم:

$$y_1 \leq y_2 \leq \dots \leq y_q \leq Z \leq \dots \leq y_{n-1} \leq y_n$$

۲-۲-۲. شاخص شکاف فقر

این شاخص اطلاعاتی را درخصوص اینکه خانوارها چقدر از خط فقر فاصله دارند مشخص و میانگین کسری درآمد یا مصرف کل را نسبت به خط فقر برای کل جامعه محاسبه می کند. این شاخص که به عنوان نمایانگر عمق فقر در نظر گرفته می شود، میانگین فاصله ای است که جمعیت را از خط فقر جدا می کند و به آنهایی که فقیر نیستند فاصله ای برابر با صفر می دهد. این میانگین، با جمع فواصل درآمد افراد از خط فقر (با فرض اینکه کسری های افراد غیرفقیر برابر با صفر باشد) و تقسیم این کل بر جمعیت به دست می آید. شکاف فقر، کل منابعی را که لازم است تا همه افراد به سطح فقر آورده شوند، برآورد می کند. این شاخص به صورت زیر تعیین می شود:

$$PG = \frac{1}{q} \sum_{i=1}^q \left[Z - \frac{y_i}{Z} \right]$$

y_i : برابر است با میانگین افراد فقیر،

PG : برابر است با میانگین فقر نسبی،

Z : برابر است با خط فقر،

q : برابر است با تعداد افراد جامعه.

این شاخص نشان دهنده هزینه ای است که باید به افراد فقیر پرداخت شود تا درآمدها به مرز خط فقر برسد. هر چه مقدار این شاخص بیشتر باشد، به معنای آن است که شکاف فقر نیز بیشتر است.

۳-۲-۲. روش کوپراس

روش رتبه‌بندی کوپراس، یکی از روش‌های تصمیم‌گیری است که برای اولویت‌بندی یا رتبه‌بندی گزینه‌های گوناگون به کار می‌رود و برای این کار از وزن معیارها استفاده می‌کند. اولین بار این روش را برای تعیین اولویت و درجه مؤثر بودن گزینه‌ها توسعه دادند. این روش برای ارزیابی ارزش هر دو معیار کمینه و بیشینه به کار می‌رود و تأثیر معیارهای کمینه و بیشینه بر روی ارزیابی نتایج به صورت جداگانه در نظر گرفته می‌شود. این روش در عین سادگی بسیار کاربردی و قدرتمند است و برای محاسبه آن نیازی به عملیات پیچیده ریاضی نیست (فرجی سبکبار، ۱۳۹۳). مراحل اجرای روش کوپراس به ترتیب زیر است:

۱. تعیین وزن معیارها با یکی از روش‌های معمول مانند آنتروپی، فرایند سلسله‌مراتبی، فولرو و ... ،
۲. تشکیل ماتریس تصمیم‌گیری،
۳. تشکیل ماتریس وزن دار که مانند رابطه ۱، مقادیر هر گزینه در وزن آنها ضرب و بر مجموع مقادیر تقسیم می‌شود.

$$d_{ij} = \frac{q_i}{\sum_{j=1}^n x_{ij}} x_{ij} \quad \text{رابطه ۱:}$$

- در این رابطه q_i : وزن هر معیار و x_{ij} : مقدار هر گزینه به ازای هر معیار است.
۴. معیارهای مثبت و منفی، مشخص و تفکیک می‌شوند. منظور از معیار مثبت یا سازگار، معیاری است که با افزایش مقدار آن میزان مطلوبیت آن نیز افزایش می‌یابد،
 ۵. پس از مشخص کردن معیارهای مثبت و منفی، باید ارزش نهایی معیارهای مثبت و منفی را مشخص کرد. این محاسبه از طریق رابطه ۲ انجام می‌گیرد.

$$s_j^+ = \sum_{z_i=+} d_{ij} \quad s_j^- = \sum_{z_i=-} d_{ij} \quad \text{رابطه ۲:}$$

براساس رابطه ۲، جمع جبری ارزش های مثبت و منفی به تفکیک محاسبه می شود.
 ۶. در مرحله آخر برای محاسبه ارزش نهایی هر گزینه از رابطه ۳ استفاده می شود.

$$Q_j = s_j^+ + \frac{s_{\min}^- \sum_j^n = 1 s_j^-}{s_{\min}^- \sum_j^n = 1 \frac{s_{\min}^-}{s_j}} = s_j^+ + \frac{\sum_j^n = 1 s_j^-}{s_j^- \sum_j^n = 1 \frac{1}{s_j}} \quad \text{رابطه ۳:}$$

در این رابطه، s_j برابر با مقدار جمع جبری معیارهای مثبت برای هر گزینه و s_j^- مقدار جمع جبری معیارهای منفی برای هر گزینه است. در این رابطه ابتدا s_j تقسیم می شود و سپس براساس رابطه ۳، مقدار Q برای هر گزینه به دست می آید. مقدار Q نشان دهنده میزان ارزش و اهمیت هر یک از گزینه ها بر حسب معیارهاست و مقدار بالای ارزش، نشانگر اهمیت و مطلوبیت بیشتر گزینه ها خواهد بود (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۷).

۲-۲-۴. روش وزن دهی تخصیص نقطه ای

طبق این روش، وزن شاخص های ارزیابی در یک طیف عددی بین یک تا صد در نظر گرفته می شود، امتیاز بیشتر نشان دهنده اهمیت بیشتر آن شاخص یا معرف است. مراحل این روش به شرح زیر است:

مرحله اول: نسبت به شناسایی، تدوین و مشخص کردن مفهوم و مشخصات معیار یا شاخص برای کارشناسان اقدام می شود.

مرحله دوم: اختصاص وزن به شاخص ها توسط کارشناسان.

مرحله سوم: محاسبه میانگین نظرات کارشناسان و محاسبه وزن شاخص ها.

مرحله چهارم: محاسبه نرم استاندارد. در این مرحله، وزن استاندارد شده هر شاخص از تقسیم آن بر مجموع مقادیر مربوط به کل شاخص ها محاسبه می شود.

۳. یافته های پژوهش

۳-۱. کمبود مسکن روستایی

به منظور بررسی فقر مسکن روستایی در استان های غربی کشور، پنج شاخص کمبود مسکن،

مساحت زیربنا، تراکم خانوار در واحد مسکونی، استحکام و کیفیت مصالح و نوع مالکیت مساکن در این بخش به واسطه دو شاخص اندازه‌گیری فقر (نسبت سرشمار فقر و نسبت شکاف فقر) مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در رابطه با معیار کمبود مسکن، همه خانوارهایی که فاقد مسکن باشند به نوعی با فقر مسکن به لحاظ مالکیتی مواجه‌اند. بنابراین یافته‌ها نشان می‌دهد که مناطق روستایی سه استان همدان، لرستان و کرمانشاه بیشترین فقر مسکن را به لحاظ کمبود واحد مسکونی دارند. شاخص سرشمار فقر و شکاف فقر برای استان همدان به ترتیب ۰/۱۳۸ و ۰/۱۱۶ بوده که بالاترین میزان فقر کمبود مسکن را داشته و استان کردستان با تعداد ۹۵۵۶ واحد کمترین درجه فقر مسکن را داشته، به طوری که مقدار شاخص‌های سرشمار فقر و نسبت شکاف فقر در این استان به ترتیب ۰/۰۷۱ و ۰/۰۵۹ به دست آمده است (جدول ۱).

جدول ۱. شاخص‌های نسبت سرشمار فقر و شکاف فقر در رابطه با کمبود مسکن روستایی

استان	تعداد خانوار	موجودی مسکن	کمبود مسکن	شاخص HI	شاخص PG
زنجان	۱۰۴۲۶۹	۹۲۶۷۸	۱۱۵۹۱	۰/۱۱۱	۰/۰۹۳
کرمانشاه	۱۳۴۹۱۵	۱۱۸۷۸۱	۱۶۱۳۴	۰/۱۲۰	۰/۱
کردستان	۱۳۴۰۶۶	۱۲۴۵۱۰	۹۵۵۶	۰/۰۷۱	۰/۰۵۹
همدان	۱۹۴۶۹۸	۱۶۷۷۹۹	۲۶۸۹۹	۰/۱۳۸	۰/۱۱۶
لرستان	۱۷۴۵۲۵	۱۵۳۶۲۸	۲۰۸۹۷	۰/۱۲۰	۰/۱۰۱
ایلام	۴۹۵۴۲	۴۴۲۸۶	۵۲۵۶	۰/۱۰۶	۰/۰۸۹

مأخذ: یافته‌های پژوهش بر مبنای داده‌های مرکز آمار ایران.

۲-۳. مساحت زیربنای مساکن روستایی

در تحقیق حاضر بنا به پیشینه مطالعات انجام شده و همچنین با لحاظ کردن شیوه زیست و معیشت روستاییان، که نیاز جدی به فضاهای متنوع و گسترده در واحد مسکونی خود به منظور انجام فعالیت‌های معیشتی از جمله دامداری (محل نگهداری دام، علوفه و تولید و نگهداری لبنیات)، زراعت و باغداری (محل انبار میوه و انبار ماشین‌آلات کشاورزی) وجود دارد، واحدهای

مسکونی که مساحت آنها کمتر از ۱۰۰ متر مربع^۱ باشد به عنوان معیاری برای خط فقر مسکن به لحاظ زیربنا در نظر گرفته شد. با توجه به یافته‌ها استان‌های کردستان و زنجان به ترتیب با شاخص نسبت سرشمار ۰/۷۲۹ و ۰/۷۱۰ و همچنین شاخص شکاف فقر ۰/۳۷۱ و ۰/۳۶۲ بیشترین میزان فقر مسکن را به لحاظ معیار مساحت واحد مسکونی داشته و استان‌های همدان، ایلام و لرستان به ترتیب پایین‌ترین نسبت سرشمار فقر را به خود اختصاص داده‌اند (جدول ۲).

جدول ۲. شاخص های نسبت سرشمار فقر و شکاف فقر در رابطه با مساحت زیربنای مسکن روستایی

استان	۱۰۰ مترو پایین‌تر	۱۰۱ تا ۱۵۰ مترمربع	۱۵۱ تا ۲۰۰ مترمربع	۲۰۱ تا ۳۰۰ مترمربع	۳۰۰ مترو بالاتر	شاخص HI	شاخص PG
زنجان	۷۴۱۲۴	۱۳۲۸۸	۲۸۶۱	۱۲۸۰	۱۱۲۵	۰/۷۱۰	۰/۳۶۲
کرمانشاه	۹۳۷۰۱	۱۹۷۱۱	۳۱۱۵	۱۲۶۰	۹۹۴	۰/۶۹۴	۰/۳۵۴
کردستان	۹۷۷۸۴	۱۸۹۷۰	۴۵۵۵	۱۷۲۲	۱۴۷۹	۰/۷۲۹	۰/۳۷۱
همدان	۱۲۵۱۵۱	۳۰۰۴۴	۶۸۰۷	۳۰۷۶	۲۷۲۱	۰/۱۵۴	۰/۳۲۸
لرستان	۱۰۸۷۸۴	۳۰۵۶۵	۹۲۵۶	۳۳۲۵	۱۶۹۸	۰/۶۲۳	۰/۳۱۸
ایلام	۲۷۴۸۵	۱۳۹۹۳	۲۰۲۷	۵۱۰	۲۷۱	۰/۵۵۴	۰/۲۸۲

مأخذ: همان.

۳-۳. تراکم خانوار در واحد مسکونی روستایی

حد معمول و استاندارد سکونت در یک واحد مسکونی، یک خانوار در نظر گرفته شده، اما از گذشته تاکنون، سکونت چندخانواری در واحد مسکونی یا به عبارتی واحدهای مسکونی چندهسته‌ای، از ویژگی‌های بارز مناطق روستایی بوده است. برای سنجش فقر مسکن به لحاظ تراکم خانوار در واحد مسکونی، خط فقر سکونتی یک خانواری به ازای هر واحد

۱. انتخاب معیار ۱۰۰ مترمربع به عنوان مبنای خط فقر مسکن به لحاظ زیربنا با توجه به مطالعات اسنادی، مشاهدات میدانی، نظر کارشناسان و ساکنین مناطق روستایی و همچنین لحاظ کردن سطح متوسط فضاهای معیشتی در کالبد خانه‌هاست.

مسکونی در نظر گرفته شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که مناطق روستایی استان همدان با تراکم ۱/۱۶ خانوار در واحد مسکونی و ضریب نسبت سرشمار فقر و نسبت شکاف فقر به ترتیب ۰/۱۶۰ و ۰/۱۰۰۸، بیشترین درجه فقر مسکن را به لحاظ انباشتگی خانوارها در مساکن روستایی دارند. سپس به ترتیب استان‌های کرمانشاه، لرستان، زنجان، ایلام و در پایین‌ترین سطح نیز استان کردستان قرار گرفته که مقدار شاخص سرشمار فقر و شکاف فقر در این استان به ترتیب ۰/۰۷۶ و ۰/۰۵۲۰ است (جدول ۳).

جدول ۳. شاخص‌های نسبت سرشمار فقر و شکاف فقر در رابطه با تراکم خانوار در واحد مسکونی

استان	تعداد خانوار	تعداد واحد مسکونی	تراکم خانوار	شاخص HI	شاخص PG
زنجان	۱۰۴۲۶۹	۹۲۶۷۸	۱/۱۳	۰/۱۲۵	۰/۰۸۱۱
کرمانشاه	۱۳۴۹۱۵	۱۱۸۷۸۱	۱/۱۴	۰/۱۳۵	۰/۰۸۷۲
کردستان	۱۳۴۰۶۶	۱۲۴۵۱۰	۱/۰۸	۰/۰۷۶	۰/۰۵۲۰
همدان	۱۹۴۶۹۸	۱۶۷۷۹۹	۱/۱۶	۰/۱۶۰	۰/۱۰۰۸
لرستان	۱۷۴۵۲۵	۱۵۳۶۲۸	۱/۱۴	۰/۱۳۶	۰/۰۸۷۴
ایلام	۴۹۵۴۲	۴۴۲۸۶	۱/۱۲	۰/۱۱۸	۰/۰۷۷۴

مأخذ: همان.

۳-۴. استحکام و مقاومت سازه‌ای مساکن روستایی

یکی از مهمترین جنبه‌های فقر مسکن روستایی، کیفیت مصالح استفاده شده در ساخت خانه‌ها و درجه مقاومت بنا در مقابله با مخاطرات طبیعی است. مساکن روستایی به دلایلی مانند قدمت بناها، استفاده از مصالح در دسترس و در بعضی موارد غیرایمن، شخصی‌سازی و عدم رعایت اصول فنی و مهندسی در ساخت‌وسازها، به‌طورکلی از مقاومت و استحکام قابل توجهی برخوردار نیستند. مرکز آمار ایران در ارزیابی ویژگی‌های مسکن روستایی از بُعد مقاومت سازه‌ای و نوع مصالح استفاده شده، به نوعی تقسیم‌بندی اقدام کرده که با توجه به آن، در

تحقیقات مرتبط با فقر مسکن به ویژه توسط اطهاری (۱۳۸۴)، شیروانیان و بخشوده (۱۳۹۱) و شیروانیان، بخشوده و مهرجو (۱۳۹۲) از تقسیم بندی سه سطحی استفاده شده که در آن مساکن مقاوم شامل خانه هایی هستند که از بتون آرمه یا اسکلت فلزی تشکیل شده اند. مساکن نیمه مقاوم از مصالحی مانند آجر و آهن، آجر و چوب، بلوک سیمانی، تمام آجر یا سنگ و آجر ساخته شده اند و مساکن غیرمقاوم نیز از خشت و چوب، خشت و گل و سایر مصالح متفرقه که از دوام و مقاومت لازم برخوردار نیستند، درست شده اند. در تحقیق حاضر، خط فقر مسکن در زمینه استحکام خانه ها تعداد مساکنی است که غیرمقاوم اند و از مصالحی از جمله سنگ، چوب و گل در فرایند ساخت استفاده کرده اند. یافته ها نشان می دهد که استان کردستان با تعداد ۳۰۷۳۵ واحد مسکونی غیرمقاوم و نسبت سرشمار فقر و شکاف فقر ۰/۲۴۷ و ۰/۲۰۳، بیشترین میزان آسیب پذیری و فقر مسکن را به لحاظ استحکام و مقاومت سازه ای مصالح داشته و در مقایسه با سایر استان های مورد بررسی دارای شکاف بیشتری است. استان ایلام از این نظر جایگاه به نسبت مناسبی داشته و کیفیت مساکن روستایی آن به لحاظ رعایت اصول فنی و معماری از سطحی نسبتاً مطلوب برخوردار است، به همین دلیل ضریب نسبت سرشمار فقر (۰/۰۵۰) و شکاف فقر (۰/۰۴۱۷) در این استان پایین ترین میزان را دارد (جدول ۴).

جدول ۴. شاخص های نسبت سرشمار فقر و شکاف فقر در رابطه با استحکام خانه های روستایی

استان	مقاوم	نیمه مقاوم	غیرمقاوم	شاخص HI	شاخص PG
زنجان	۲۸۲۳۶	۴۴۴۷۵	۱۹۸۲۹	۰/۲۱۴	۰/۱۷۵
کرمانشاه	۲۶۶۷۶	۷۳۸۱۸	۱۷۹۵۶	۰/۱۵۱	۰/۱۲۴
کردستان	۲۳۰۳۴	۷۰۳۵۸	۳۰۷۳۵	۰/۲۴۷	۰/۲۰۳
همدان	۶۰۶۵۴	۸۷۴۴۲	۱۸۹۵۴	۰/۱۱۳	۰/۹۳۰
لرستان	۷۹۴۸۸	۶۱۲۳۹	۱۲۶۶۰	۰/۰۸۲۵	۰/۰۶۷۶
ایلام	۱۳۹۶۳	۲۷۹۳۵	۲۲۴۵	۰/۰۵۰	۰/۰۴۱۷

مأخذ: همان.

۳-۵. نحوه تصرف واحد مسکونی روستایی

مالکیت شخصی واحدهای مسکونی در مناطق روستایی، به دلیل پایین بودن نسبی سطح هزینه‌ها در مقایسه با سکونتگاه‌های شهری بالاتر است. افرادی که از مسکن ملکی (شخصی) برخوردار نباشند، نسبت به این دارایی ثابت فقیرند. بنابراین در پژوهش حاضر خط فقر مسکن به لحاظ نوع مالکیت، داشتن مسکن با مالکیت شخصی در نظر گرفته شده و براین اساس، یافته‌ها نشان می‌دهد که شاخص نسبت سرشمار فقر و شکاف فقر در استان کرمانشاه به ترتیب با ۰/۴۲۶ و ۰/۲۹۰ بیشترین میزان را نشان می‌دهد و بعد از آن استان‌های لرستان و کردستان قرار دارند. کمترین سطح فقر مسکن به لحاظ مالکیت واحد مسکونی نیز به استان زنجان اختصاص دارد که مقدار شاخص‌های یاد شده به ترتیب ۰/۳ و ۰/۲۰۴ بوده است (جدول ۵).

جدول ۵. شاخص‌های نسبت سرشمار فقر و شکاف فقر در رابطه با نحوه تصرف واحد مسکونی

استان	ملکی عرصه و اعیان	رهن و استیجاری	سایر	شاخص HI	شاخص PG
زنجان	۲۲۲۳۳۲	۷۲۳۹۰	۲۳۰۷۷	۰/۳۰	۰/۲۰۴
کرمانشاه	۳۲۴۶۰۵	۱۹۹۷۹۶	۴۲۵۹۴	۰/۴۲۶	۰/۲۹۰
کردستان	۲۸۵۷۶۷	۱۳۷۸۴۷	۳۵۱۶۵	۰/۳۷۶	۰/۲۵۶
همدان	۳۶۲۹۹۶	۱۲۴۷۸۳	۴۵۲۷۳	۰/۳۱۸	۰/۲۱۶
لرستان	۲۹۲۹۵۹	۱۶۳۴۰۶	۳۵۷۲۳	۰/۴۰۴	۰/۲۷۴
ایلام	۹۶۷۸۶	۴۳۵۹۶	۱۳۰۷۷	۰/۳۶۸	۰/۲۵۰

مأخذ: همان.

در ادامه به منظور رتبه‌بندی استان‌های غربی کشور از لحاظ میزان فقر مسکن روستایی، از روش رتبه‌بندی کوپراس استفاده شد. از این رو در مرحله اول با توجه به یافته‌های تحقیق به تشکیل ماتریس اولیه معیارها و گزینه‌ها اقدام شد (جدول ۶).

جدول ۶. ماتریس تصمیم‌گیری

استان	کمبود مسکن X1	زیربنا X2	تراکم خانوار X3	استحکام بنا X4	نوع مالکیت X5
زنجان	۱۱۵۹۱	۷۴۱۲۴	۱۳	۱۹۸۲۹	۹۵۴۶۷
کرمانشاه	۱۶۱۳۴	۹۳۷۰۱	۱۴	۱۷۹۵۶	۲۴۲۳۹۰
کردستان	۹۵۵۶	۹۷۷۸۴	۰۸	۳۰۷۳۵	۱۷۳۰۱۲
همدان	۲۶۸۹۹	۱۲۵۱۵۱	۱۶	۱۸۹۵۴	۱۷۰۰۵۶
لرستان	۲۰۸۹۷	۱۰۸۷۸۴	۱۴	۱۲۶۶۰	۱۹۹۱۲۹
ایلام	۵۲۵۶	۲۷۴۸۵	۱۲	۲۲۴۵	۵۶۶۷۳
مجموع	۹۰۳۳۳	۵۲۷۰۲۹	۷۵	۱۰۲۳۷۹	۹۳۶۷۲۷

مأخذ: همان.

در مرحله بعد، برای وزن دهی به شاخص‌ها و تعیین مثبت یا منفی بودن معیارها از روش وزن دهی تخصیص نقطه‌ای استفاده شد و کارشناسان بر مبنای میزان اهمیت پنج شاخص مورد بررسی در تعیین فقر مسکن روستایی، نمره‌ای بین یک تا صد را انتخاب کرده و با توجه به فرایند وزن دهی تخصیص نقطه‌ای، وزن هر شاخص تعیین شد (جدول ۷).

جدول ۷. وزن دهی به روش تخصیص نقطه‌ای

کد	شاخص	Z	وزن شاخص‌ها
X1	کمبود مسکن	-	۰/۸۴
X2	زیربنا	-	۰/۵۱
X3	تراکم خانوار	+	۰/۷۳
X4	استحکام بنا	+	۰/۸۲
X5	نوع مالکیت	-	۰/۶۸

مأخذ: همان.

در راستای فراهم شدن زمینه برای انجام رتبه‌بندی، داده‌های مربوط به هر شاخص از طریق رابطه زیر استانداردسازی (نرمالیزه کردن) شد و نتایج زیر به دست آمد (جدول ۸).

$$dij = \frac{qi}{\sum_{j=1}^n xij} xij \quad \text{رابطه ۴:}$$

جدول ۸. مقادیر نرمالیزه شده شاخص‌ها

استان	کمیود مسکن X1	زیربنا X2	تراکم خانوار X3	استحکام بنا X4	نوع مالکیت X5
زنجان	۰/۰۴۸۴۳۴	۰/۱۸۸۰۵۳	۰/۴۷	۰/۰۸۰۸۸۴۷۷	۰/۳۲۲۹۳۴
کرمانشاه	۰/۰۳۶۶۰۹	۰/۱۲۹۰۸۷	۰/۲۷	۰/۰۳۹۷۷۳۴۱۷	۰/۴۴۵۲۳۹
کردستان	۰/۰۲۵۸۰۳	۰/۱۶۰۳۰۴	۰/۱۸	۰/۰۸۱۰۱۲۸۷۴	۰/۳۷۸۱۷۴
همدان	۰/۰۶۶۲۴۷	۰/۱۸۷۱۳۴	۰/۳۴	۰/۰۴۵۵۶۸۳۷۸	۰/۳۳۹۰۳۹
لرستان	۰/۰۵۱۴۰۴	۰/۱۶۲۴۶۷	۰/۲۹	۰/۰۳۰۴۰۰۲۵۳	۰/۳۹۶۵۲۷
ایلام	۰/۰۴۸۱۶۲	۰/۱۵۲۹۰۹	۰/۹۵	۰/۰۲۰۰۸۱۵۹۶	۰/۴۲۰۳۹۱

مأخذ: همان.

در ادامه با توجه به مثبت یا منفی بودن شاخص‌ها و مقدار نرمالیزه شده مربوط به هر شاخص، مجموع استاندارد شده مثبت (S_j^+) و منفی (S_j^-) برای همه گزینه‌ها (استان‌ها) محاسبه و نتایج زیر حاصل شد (جدول ۹).

جدول ۹. مقادیر مربوط به فواصل مثبت و منفی معیارها

استان	X1 (-)	X2 (-)	X3 (+)	X4 (+)	X5 (-)	S_j^+	S_j^-
زنجان	۰/۰۴۸۴۳۴	۰/۱۸۸۰۵۳	۰/۴۷	۰/۰۸۰۸۸۴۷۷	۰/۳۲۲۹۳۴	۰/۵۵۰۸۸۵	۰/۵۵۹۴۲۲
کرمانشاه	۰/۰۳۶۶۰۹	۰/۱۲۹۰۸۷	۰/۲۷	۰/۰۳۹۷۷۳۴۱۷	۰/۴۴۵۲۳۹	۰/۳۰۹۷۷۳	۰/۶۱۰۹۳۶
کردستان	۰/۰۲۵۸۰۳	۰/۱۶۰۳۰۴	۰/۱۸	۰/۰۸۱۰۱۲۸۷۴	۰/۳۷۸۱۷۴	۰/۲۶۱۰۱۳	۰/۵۶۴۲۸۱
همدان	۰/۰۶۶۲۴۷	۰/۱۸۷۱۳۴	۰/۳۴	۰/۰۴۵۵۶۸۳۷۸	۰/۳۳۹۰۳۹	۰/۳۸۵۵۶۸	۰/۵۹۲۴۲
لرستان	۰/۰۵۱۴۰۴	۰/۱۶۲۴۶۷	۰/۲۹	۰/۰۳۰۴۰۰۲۵۳	۰/۳۹۶۵۲۷	۰/۳۲۰۴	۰/۶۱۰۳۹۸
ایلام	۰/۰۴۸۱۶۲	۰/۱۵۲۹۰۹	۰/۹۵	۰/۰۲۰۰۸۱۵۹۶	۰/۴۲۰۳۹۱	۰/۹۷۰۰۸۲	۰/۶۲۱۴۶۲

مأخذ: همان.

در نهایت اقدام به رتبه بندی استان ها و مقدار Q_j هر گزینه تعیین شد. سپس با توجه به آن نسبت به انتخاب مهمترین و اولویت دارترین آلترناتیوها (N_j) اقدام شد، به طوری که مقدار اهمیت هر گزینه (Q_j) بر بیشترین ضریب $Q_{i\max}$ تقسیم شد و مقدار N ، که مهمترین گزینه است به دست آمد. با افزایش یا کاهش اهمیت هر استان، رتبه آن استان نیز کاهش یا افزایش می یابد، به طوری که مقدار صد بیشترین اولویت و مقدار یک، کمترین اولویت خواهد بود. در این مبحث چون هدف ارزیابی میزان فقر مسکن روستایی به تفکیک استان هاست، به همین دلیل گزینه ای که کمترین مقدار را به خود اختصاص داده، بیشترین میزان فقر مسکن را خواهد داشت. یافته های تحقیق نشان می دهد که استان کردستان با مقدار $Q = 0/8725$ و میزان اهمیت ($N = 57/21311$) فقیرترین استان به لحاظ کیفیت مسکن روستایی و سنجه های تعیین کننده فقر مسکن است. سپس به ترتیب استان های کرمانشاه، لرستان و همدان قرار داشته و استان ایلام نیز در مقایسه با سایر استان های مورد بررسی، با مقدار $Q = 1/525$ و (N_j) صد، مطلوب ترین شرایط کیفیت مسکن را به خود اختصاص داده و مقدار فقر مسکن در این استان بسیار پایین تر از سایر استان های مورد بررسی است (جدول ۱۰).

جدول ۱۰. رتبه بندی استان ها براساس درجه فقر مسکن روستایی

رتبه	N_j (n_j)	Q_j	S_j	S_j	استان
۱	۵۷/۲۱۳۱۱	۰/۸۷۲۵	۰/۵۶۴۲۸۱	۰/۲۶۱۰۱۳	کردستان
۲	۵۷/۳۴۴۲۶	۰/۸۷۴۵	۰/۶۱۰۹۳۶	۰/۳۰۹۷۷۳	کرمانشاه
۳	۵۸/۰۷۸۶۹	۰/۸۸۵۷	۰/۶۱۰۳۹۸	۰/۳۲۰۴	لرستان
۴	۶۳/۴۷۵۴۱	۰/۹۶۸	۰/۵۹۲۴۲	۰/۳۸۵۵۶۸	همدان
۵	۷۶/۵۲۴۵۹	۱/۱۶۷	۰/۵۵۹۴۲۲	۰/۵۵۰۸۸۵	زنجان
۶	۱۰۰	۱/۵۲۵	۰/۶۲۱۴۶۲	۰/۹۷۰۰۸۲	ایلام

مأخذ: همان.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به بررسی ابعاد گوناگون فقر مسکن در نواحی روستایی استان‌های غربی کشور پرداخت. یافته‌ها در رابطه با فقر مسکن از بُعد تعداد واحد مسکونی نشان داد که سه استان همدان، لرستان و کرمانشاه بیشترین میزان فقر را داشته و در این زمینه استان کردستان از وضعیت به نسبت بهتری برخوردار است. این شاخص از یک طرف نمایانگر فقر مطلق مسکن روستایی است، زیرا دسترسی به حداقل‌های زیستی را مدنظر قرار می‌دهد و از طرف دیگر بر سایر ابعاد فقر مسکن به‌ویژه تراکم خانوار در واحد مسکونی تأثیر منفی خواهد داشت. به همین دلیل است که نسبت شکاف فقر در دو معیار کمبود مسکن و تراکم خانوار در استان همدان به ترتیب با ۰/۱۱۶ و ۰/۱۰۰۸ بیشترین و در استان کردستان با ۰/۰۵۹ و ۰/۰۵۲ کمترین میزان را به خود اختصاص داده است. اگرچه در این زمینه بایستی به تعداد خانوار موجود به‌عنوان عاملی محوری توجه کرد. اما مهم‌تر از آن، فرایند سیاست‌گذاری و عملکرد طرح‌های توسعه مسکن روستایی است که توسط دولت به مرحله اجرا می‌رسد. اصل (۳۱) قانون اساسی، تأمین مسکن برای آحاد جامعه به‌ویژه نیازمندان را جزء اولویتهای دولت می‌داند.

با توجه به بُعد معیشتی مساکن روستایی و وابسته بودن فعالیت‌های اقتصادی ساکنین به‌ویژه سکونتگاه‌های روستایی استان‌های غربی کشور به خانه‌ها و فضاهای متنوع آنها، برخورداری از زیربنای وسیع و تنوع در فضاها، از ویژگی‌های بارز خانه‌های روستایی است. در تحقیق حاضر به‌منظور بررسی این شاخص، خط فقر مسکن، صد متر مربع تعیین شده و فقر مسکن از این بعد، به خانه‌هایی اختصاص می‌یابد که مساحت آنها کمتر از مقدار یاد شده باشد. با در نظر گرفتن این معیار، یافته‌ها نشان داد که مقدار HI و PG استان‌های کردستان و زنجان به ترتیب با ۰/۷۲۹ و ۰/۷۱۰ بالاتر از سایر استان‌های مورد بررسی بوده، به همین دلیل بیشترین فقر مسکن به استان‌های یاد شده اختصاص داشته است. باید توجه داشت اگرچه ویژگی‌های طبیعی به‌ویژه شرایط توپوگرافی، به میزان قابل توجهی توسعه افقی خانه‌ها را به لحاظ فیزیکی تحت تأثیر قرار می‌دهد، اما نوع اشتغال روستاییان و شیوه معیشت آنها نقش محدودیت‌های محیطی را به حداقل رسانده و در استان‌هایی از

جمله کردستان و کرمانشاه، با افزودن به تعداد طبقات واحد مسکونی، عرصه برای انجام فعالیت‌های اقتصادی خانوارها در فضاهای عملکردی خانه مهیا می‌شود. با این حال داده‌ها نمایانگر کاهش سطح زیربنا در مساکن نوظهور روستایی است که از دلایل این امر می‌توان به ضعف در نظام تأمین مالی و عدم تطبیق پذیری طرح‌ها، نقشه‌ها و ضوابط فنی و اجرایی دولتی با ویژگی‌های منطقه‌ای مساکن روستایی اشاره کرد. در پیمایش میدانی انجام شده و مصاحبه با ساکنین روستاهای برخی استان‌های مورد مطالعه مشخص شد که اغلب ساکنین خانه‌های جدید روستایی، پایین بودن میزان تسهیلات نوسازی مسکن را عامل اصلی کاهش سطح زیربنای خانه‌ها، حذف یا تقلیل فضاهای معیشتی و در نتیجه متأثر شدن وضعیت اقتصادی و شیوه معیشت ساکنین دانسته‌اند. در مصاحبه با کارشناسان حوزه بهسازی مسکن روستایی نیز مشخص شد به‌رغم تهیه نقشه‌ها و طرح‌های ساخت مسکن روستایی به صورت منطقه‌ای، به دلیل پایین بودن مبلغ وام نوسازی از یک سو و هزینه‌های بالای ساخت این‌گونه مساکن از سوی دیگر، به افزایش سطح زیربنای خانه‌ها از جانب ساکنین توجهی نشده است.

در زمینه تراکم خانوار در واحد مسکونی، با توجه به تعیین خط فقر یک خانواری، استان همدان با تراکم ۱/۱۶ خانوار، بیشترین و استان کردستان با تراکم ۱/۰۸ خانوار، کمترین درجه فقر مسکن را به لحاظ چندهسته‌ای بودن خانه‌های روستایی داشته است. عوامل مختلفی در این زمینه تأثیرگذار بوده‌اند که از جمله می‌توان به تعداد خانوار و جمعیت روستایی هر استان، وضعیت اقتصادی خانوارها و شرایط اجتماعی - فرهنگی ساکنین اشاره کرد. با توجه به نقش حمایتی و مشارکتی دولت در پرداخت تسهیلات مقاوم‌سازی مسکن روستایی، سطح درآمدی و ویژگی‌های اقتصادی خانوارهای روستایی در انجام فرایند نوسازی تأثیر بسزایی داشته‌اند، به طوری که با پایین بودن سطح درآمدها، توان نوسازی مسکن از سوی سرپرستان خانوار به حداقل رسیده و تراکم چندخانواری در واحد مسکونی به مسئله‌ای گریزناپذیر تبدیل شده است. همچنین در استان‌هایی مانند کردستان، خانوارهای چندهسته‌ای و سکونت چندخانواری در واحد مسکونی به‌ویژه در گذشته، امری پذیرفته شده بوده و جزئی از ویژگی‌های فرهنگی - اجتماعی روستاهای

این مناطق بوده است. اگرچه امروزه تحت تأثیر سنت‌ها و ویژگی‌های فرهنگی، واحدهای مسکونی از یکدیگر مجزا شده اما مسکن جدید در موارد زیادی در کنار خانه سنتی و قدیمی همچنان در یک حیاط جانمایی شده‌اند. بنابراین می‌توان گفت تراکم خانوار به معنای سکونت چند خانواری در واحد مسکونی، وضعیت مطلوب‌تری نسبت به گذشته پیدا کرده است.

در تحقیق حاضر به منظور تعیین مهمترین جنبه فقر مسکن روستایی (استحکام سازه‌ای) در استان‌های غربی کشور، معیار مسکن غیرمقاوم به عنوان یکی دیگر از ابعاد تعیین‌کننده فقر مسکن مدنظر قرار گرفت که براساس آن استان کردستان با برخورداری از تعداد ۳۰۷۳۵ واحد مسکونی فرسوده و آسیب‌پذیر دارای شاخص نسبت سرشمار فقر ۰/۲۴۷ و شاخص شکاف فقر ۰/۲۰۳ بوده که نشان می‌دهد در این زمینه، بالاترین میزان فقر مسکن را به نسبت سایر استان‌های مورد بررسی داشته است. از دلایل این مسئله می‌توان به بالا بودن تعداد واحدهای مسکونی غیرمقاوم به نسبت سایر استان‌ها و مهمتر از آن شرایط ویژه فرهنگی - اعتقادی ساکنین روستاهای برخی استان‌ها از جمله استان کردستان اشاره کرد. بخش قابل توجهی از جمعیت روستایی استان کردستان به ویژه شهرستان‌های غربی استان (مریوان، سروآباد و بانه)، استفاده از هرگونه تسهیلاتی که به واسطه آن مشمول پرداخت سود تسهیلات شوند را ناپسند و حرام می‌دانند، به همین دلیل است که تعداد واحدهای مسکونی فرسوده در این شهرستان‌ها و در مجموع کل استان کردستان در مقایسه با سایر استان‌های مورد بررسی بیشتر است. بنابراین بازسازی مسکن روستایی در چنین مناطقی به صورت شخصی و بدون حمایت دولت صورت می‌گیرد، بنابراین ممکن است فرایند زمانی ساخت یا نوسازی واحد مسکونی به دلیل ضعف در توان مالی مالکان افزایش یابد. در مجموع می‌توان گفت به رغم رتبه‌بندی انجام شده، همه مسکن روستایی استان‌های مورد بررسی به ویژه از بُعد کیفیت مصالح و میزان مقاومت خانه‌ها در مقابل حوادث غیرمترقبه در وضعیت فقر قرار داشته و ضرورت دارد در این زمینه اقدامات مناسبی انجام شود.

یافته‌های تحقیق حاضر و مقایسه آن با یافته‌های سایر محققان نشان می‌دهد که از

جهت کاهش سطح زیربنای خانه‌ها و پدیدار شدن فقر مسکن، با نتایج پژوهش محمدی یگانه چراغی و اسلامی (۱۳۹۶) و بیات (۱۳۹۶) همسوست. همچنین در رابطه با فقر مسکن از بُعد استحکام سازه‌ای، یافته‌های تحقیق با نتایج پژوهش شیروانیان، بخشوده و مهرجو (۱۳۹۲) هماهنگ است به طوری که در این زمینه فقر مسکن به میزان قابل توجهی در همه روستاها وجود داشته است. از جهت تراکم خانوار و مالکیت واحد مسکونی، بین نتایج تحقیق حاضر و یافته‌های قادرمرزی و بهمنی (۱۳۹۷) مطابقت نسبی وجود دارد. اطهاری (۱۳۸۴) نیز در تحقیق خود بر متمایز بودن فقر مسکن در مناطق روستایی از سکونتگاه‌های شهری به واسطه تراکم چند خانواری و تراکم بالا در اتاق تأکید کرده که با یافته‌های تحقیق حاضر در زمینه کاهش سطح زیربنای خانه‌های جدید همسوست.

آنچه در پژوهش حاضر حائز اهمیت است، بسط چارچوب نظری و رویکردهای مرتبط با فقر مسکن روستایی و کاربست معیارهای جدید جهت سنجش فقر مسکن روستایی است. بنابراین در این تحقیق از یک سو مبنای نظری اولیه برای انجام تحقیقات تکمیلی در سایر مناطق روستایی کشور شکل گرفته و از سوی دیگر ضمن شناسایی بخشی از وضعیت فقر مسکن روستایی استان‌های غربی، به مهمترین دلایل پدیدار شدن وضعیت کنونی فقر مسکن اشاره شده که برنامه‌ریزان و سیاستگذاران توسعه مسکن روستایی را جهت بهبود فرایند سیاستگذاری و تحول در ماهیت طرح‌ها و پروژه‌های توسعه مسکن، رهنمون خواهد کرد. با توجه به یافته‌های تحقیق و تحلیل‌های صورت گرفته در راستای ارتقای کیفیت واحدهای مسکونی روستایی و خروج از وضعیت فقر مسکن در مناطق روستایی کشور پیشنهادهایی ارائه می‌شود:

- تلاش جدی مجلس شورای اسلامی و دولت برای تحقق اصل (۳۱) و بند «۱۲» از اصل (۳) قانون اساسی کشور. در اصل (۳۱) آمده است: «داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند، به خصوص روستانشینان و کارگران، زمینه اجرای این اصل را فراهم کند». همچنین در بند «۱۲» از اصل (۳) قانون اساسی نیز به صورت مشخص بر رفع فقر و هر نوع محرومیت در زمینه مسکن به عنوان حق مردم و وظایف دولت تأکید شده است. بند «۱۲» از اصل (۳)، وظیفه

دولت را این‌گونه بیان می‌دارد: «پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی برای ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف کردن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و تعمیر بیمه». بنابراین مهمترین پیشنهاد برای رفع فقر مسکن روستایی، سیاستگذاری مناسب برای اجرای اصل (۳۱) و بند «۱۲» از اصل (۳) قانون اساسی است که احقاق این حق روستاییان، همت جدی دولت و مجلس شورای اسلامی را می‌طلبد.

- اجرایی کردن طرح منطقه‌ای ساخت مسکن به لحاظ شیوه‌های معماری و ماهیت عملکردی خانه‌های روستایی.

- ارائه تسهیلات نوسازی مسکن روستایی متناسب با هزینه‌های موجود و شرایط فرهنگی - اعتقادی ساکنین هر منطقه.

- توجه به ابعاد معیشتی خانه‌های روستایی و لحاظ کردن تسهیلات ویژه برای مساکن با کارکرد معیشتی.

- هدفمند کردن یارانه‌های بخش مسکن و بالا بردن سهم دولت در پرداخت یارانه‌های مسکن روستایی.

- ترغیب روستاییان به انجام نوسازی و اتخاذ راهکارهای عملی در زمینه فرهنگ‌سازی جهت مشارکت مالکان و همچنین بخش خصوصی در راستای ساخت مسکن و تأمین مالی. - تهیه طرح جامع مسکن روستایی کشور و مشخص کردن یک نهاد متولی خاص که بتواند هماهنگی لازم را میان تمام نهادهای حاکمیتی و حکومتی که به نوعی مرتبط با مسکن روستایی هستند، به عمل آورد.

منابع و مآخذ

۱. اطهاری، کمال (۱۳۸۴). «فقر مسکن در ایران: فقر سیاست اجتماعی»، *رفاه اجتماعی*، ش ۱۸.
۲. بسحاق، محمدرضا، احمد تقدیسی و مسعود تقوایی (۱۳۹۶). «طراحی مدلی برای فقر روستایی و اثر آن بر روی ناپایداری محیط زیست (مطالعه موردی: استان چهارمحال و بختیاری)»، *مسکن و محیط روستا*، ش ۱۵۹.
۳. بهرامیان، سمیرا و آیت اله کرمی (۱۳۹۷). «بررسی روند فقر در مناطق روستایی ایران»، *تحقیقات اقتصاد کشاورزی*، دوره ۱۰، ش ۴.
۴. بیات، مجید (۱۳۹۶). «تحلیل اثرات فقر مسکن در کیفیت زندگی خانوارهای روستایی، مطالعه موردی: دهستان معجزات، شهرستان زنجان»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه زنجان.
۵. جاویدی، ابراهیم (۱۳۸۸). «بررسی اثر آموزش بر جنبه های مختلف فقر در ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان تهران، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی.
۶. حسن زاده، نسرین (۱۳۹۲). «اندازه گیری فقر چندبعدی در ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی.
۷. دربان آستانه، علیرضا و بهناز سادات بشیری (۱۳۹۶). «تحلیل محرومیت بخش مسکن روستایی در شهرستان های کشور»، *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، سال ۶، ش ۲.
۸. درثو، ماکس (۱۳۷۴). *جغرافیای انسانی*، ترجمه سیروس سهمی، جلد ۲، انتشارات رایزن.
۹. راهب، غزال (۱۳۹۳). «گونه شناسی پهنه های شکل گیری مسکن در سکونتگاه های روستایی ایران در تعامل با عوامل محیطی»، *نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی*، دوره ۱۹، ش ۴.
۱۰. سالم، علی اصغر، اسمعیل ابونوری و جواد عرب یارمحمدی (۱۳۹۷). «رویکرد چندبعدی به اندازه گیری فقر؛ مفاهیم نظری و شواهد تجربی از اقتصاد ایران در طول سال های ۱۳۷۰-۱۳۹۲»، *رفاه اجتماعی*، سال ۱۸، ش ۶۸.
۱۱. شریف زاده، جواد و عمار خسروجردی (۱۳۸۹). «مسکن، جمعیت، محرومیت»، *فصلنامه برداشت دوم*، ش ۱۱.
۱۲. شفاعت، محمدرضا (۱۳۸۵). «بررسی سیاست های مسکن گروه های کم درآمد در ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد سیاست و مطالعات ایرانیان، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.

۱۳. شیروانیان، عبدالرسول و محمد بخشوده (۱۳۹۱). «فقر مسکن روستایی و استراتژی‌های مقابله با آن در ایران»، مسکن و محیط روستا، ش ۱۴۰.
۱۴. شیروانیان، عبدالرسول، محمد بخشوده و سعید مهرجو (۱۳۹۲). «مقایسه رویکرد فقر درآمدی و رویکرد چندبعدی فقر مسکن در برنامه حمایت از مسکن روستایی در ایران»، تحقیقات اقتصاد کشاورزی، دوره ۵، ش ۳.
۱۵. علوی، سیدعلی، الهه شاکری منصور و علیرضا گروسی (۱۳۹۷). «سنجش توزیع فضایی فقر شهری با استفاده از مدل‌های تصمیم‌گیری در GIS (مورد مطالعه: مناطق دوازده‌گانه شهر بابل)»، علوم جغرافیایی، ش ۲۸.
۱۶. غفاری، غلامرضا، و عباس حق پرست (۱۳۸۳). «نشانگرهای فقر در مناطق روستایی (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان آزادشهر)»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۵، ش ۴.
۱۷. فرجی سبکبار، حسنعلی، محمدرضا رضوانی، حسن بهنام مرشدی و حسین روستا (۱۳۹۳). «سطح‌بندی فضایی محورهای گردشگری استان فارس بر مبنای خدمات و تسهیلات گردشگری»، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، دوره ۴۶، ش ۳.
۱۸. قادرمزی، حامد و افشین بهمنی (۱۳۹۷). «واکاوی ابعاد فقر مسکن با تأکید بر ابعاد اقتصادی مسکن روستایی، مورد: دهستان نیلاق جنوبی، شهرستان دهگلان»، مجموعه مقالات دومین همایش ملی چشم‌انداز توسعه پایدار روستایی ایران، دانشگاه خوارزمی، تهران.
۱۹. قادرمزی، حامد، داوود جمینی، علیرضا جمشیدی و رامین چراغی (۱۳۹۲). «تحلیل نابرابری فضایی شاخص‌های مسکن در مناطق روستایی استان کرمانشاه»، اقتصاد فضا و توسعه روستایی.
۲۰. قاسمی، مسلم، حجت‌الله شرفی، مرضیه جعفری و بهزاد شیخ‌علیپور (۱۳۹۵). «رتبه‌بندی زیرساخت‌های گردشگری شهری با استفاده از روش رتبه‌بندی کوپراس (مطالعه موردی: استان زنجان)»، گردشگری شهری، دوره ۳، ش ۱.
۲۱. گردآبی، احمد (۱۳۹۶). گزارش کارشناسی مدل ارتقای راهکاری برای خروج از فقر، انتشارات مؤسسه عالی پژوهش و تأمین اجتماعی، چاپ اول، تهران.
۲۲. محمدی یگانه، بهروز، مهدی چراغی و لیلا اسلامی (۱۳۹۶). «تحلیل اثرات اعتبارات مقاوم سازی مسکن بر احساس امنیت خانوارهای روستایی، مطالعه موردی: دهستان معجزات، شهرستان زنجان»، نشریه علمی-پژوهشی برنامه‌ریز توسعه کالبدی، دوره ۴، پیاپی ۷.

۲۳. مدنی قهفرخی، سعید (۱۳۹۶). *ضرورت مبارزه با پدیده فقر و نابرابری در ایران*، انتشارات آگاه، چاپ اول، تهران.
۲۴. مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). *سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان ایلام (فرهنگ آبادی ها به تفکیک شهرستان)*.
۲۵. ——. *سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان زنجان (فرهنگ آبادی ها به تفکیک شهرستان)*.
۲۶. ——. *سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان کردستان (فرهنگ آبادی ها به تفکیک شهرستان)*.
۲۷. ——. *سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان کرمانشاه (فرهنگ آبادی ها به تفکیک شهرستان)*.
۲۸. ——. *سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان همدان (فرهنگ آبادی ها به تفکیک شهرستان)*.
۲۹. موسی پور، محمدیاسر (۱۳۹۷). «*بازخوانی مفهوم تزئین در مسکن روستایی ایران*، نمونه مورد مطالعه: تزئینات مسکن در روستای اوان، استان قزوین»، *مسکن و محیط روستا*، ۳۷ (۱۶۲).
۳۰. مهدوی، مسعود (۱۳۸۷). *مقدمه ای بر جغرافیای روستایی ایران*، جلد اول، شناخت مسائل جغرافیایی روستاها، چاپ هشتم، انتشارات سمت، تهران.
۳۱. مهریار، امیر هوشنگ (۱۳۷۳). «*فقر: تعریف و اندازه گیری آن*»، *مجله برنامه و توسعه*، دوره ۲، ش ۸.
۳۲. نصیریان، محمد مهدی (۱۳۸۷). *راهکارهای کاهش فقر و روش های علمی و عملی تهیه اسناد فقر و توسعه*، استانداری یزد، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
۳۳. نگهداری، ابراهیم، خسرو پیرایی، غلامرضا کشاورز حداد و علی حقیقت (۱۳۹۳). «*برآورد خط فقر مطلق و نسبی بر اساس رویکرد صرفه ناشی از مقیاس با مدل استون - گیری (مطالعه موردی: خانوارهای شهری ایران، دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۰)*»، *فصلنامه برنامه ریزی و بودجه*، سال ۱۹، ش ۱.
۳۴. یاسوری، مجید، سیده فاطمه امامی (۱۳۹۷). «*سنجش وضعیت فقر در نواحی روستایی (نمونه موردی: دهستان سراوان شهرستان رشت)*»، *تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، سال ۱۸، ش ۴۸.
35. Ajibola, G.M. and A. Sanmi (2015). "Housing Rehabilitation Strategy as Enabling Approach for Development of Rural Housing Poverty in Nigeria", *World Journal of Social Sciences and Humanities*, Vol. 1, No. 1.
36. Alkire, S. and J. E. Foster (2007). "Counting and Multidimensional Poverty Measurement", *Journal of Public Economics*, 95 (7).
37. Alkire, S., J.M. Roche and A. Vaz (2017). "Changes Over Time in Multidimensional

- Poverty: Methodology and Results for 34 Countries", *World Development*, 94.
38. Andres, R. P and D. Hardy (2015). "Addressing Poverty and Inequality in the Rural Economy from a Global Perspective", *Applied Geography*, 61.
39. Arouria, M., A.B.Youssef and C. Nguyen (2017). "Does Urbanization Reduce Rural Poverty? Evidence from Vietnam", *Economic Modelling*, 60.
40. Benevenuto, R. and B. Caulfield (2019). "Poverty and Transport in the Global South: an Overview", *Transport Policy*, (79).
41. Burlinson, A., M. Giuliatti and G. Battisti (2018). "The Elephant In The Energy Room: Establishing The Nexus Between Housing Poverty and Fuel Poverty", *Energy Economics*, 72.
42. Clarke, A., S. Morris and P. Williams (2015). *How do Landlords Address Poverty?*, York: JRF.
43. Coudoul, A., J. S. Hentschel and Q. T. Wodon (2002). *Poverty Measurement and Analysis in the PRSP Sourcebook*, Washington D.C, The World Bank.
44. Gibb, K., M. Stephens, S. Wright, D. Reusche, K. Besemer and F. Sosenko (2015). *Housing and Work Incentives*, York: JRF.
45. Jules, B. (2015). *Around-up of Evidence on the Relationship between Housing and Poverty*, York: JRF.
46. Lo, K., L. Xue and M Wang (2016). "Spatial Restructuring Through Poverty Alleviation Resettlement in Rural China", *Journal of Rural Studies*, 47.
47. Nakabashi, L. (2018). "Poverty and Economic Development: Evidence for the Brazilian States", *Economia*, 19.
48. Nuzha, A. (2018). "A Place of Many Names: How Three Generations of Bedouin Women Express the Meaning of Home", *Journal of Hous and The Built Environ*, Vol. 33.
49. O'Sullivan, K.C., P. Howden-Chapmana, D. Sim, J. Stanley, Rebekah L. Rowanc,

- Isobel K. Harris Clarke, Lydia L.A. Morrison, The Waiopetu College 2015 Research Team (2017). "Cool? Young People Investigate Living in Cold Housing and Fuel Poverty, A Mixed Methods Action Research Study", *SSM - Population Health*, 3.
50. Reem, H., S. A. E Ahmed and I. Ayat (2018). "Homes or Just Houses: The Housing Needs of Female-headed Households in Egypt", *Journal of Building Construction and Planning Research*, Vol. 6.
51. Sengupta, U. (2010). "The Hindered Self-help: Housing Policies, Politics and Poverty in Kolkata, India", *Habitat International*, 34.
52. Srinivasan, T. N (2000). "Poverty and Undernutrition in South Asia", *Food Policy*, Vol. 25, No. 3.
53. Stephens, M., C. Leishman, G. Bramley, E. Ferrari and A. Rae (2014). *What Will the Housing Market Look Like in 2040?* York: JRF.
54. Thomson, H. and S. Thomas (2015). "Developing Empirically Supported Theories of Change for Housing Investment and Health", *Social Science Medicine*, 124.
55. Tsui, K.Y. (2002). "Multidimensional Poverty Indices", *Journal of Social Choice and Welfare*, 19.
56. Tunstall, R., M. Bevan, J. Bradshaw, K. Croucher, S. Duffy, C. Hunter, A. Jones, J Wallace Rugg and S. Wilcox (2013). *The Links between Housing and Poverty: an Evidence Review*, York: JRF.
57. Whitener, L A (2002). "Housing Poverty in Rural Areas Greater for Racial and Ethnic Minorities", *Rural America*, Vol. 15, No. 2.

Surf and download all data from SID.ir: www.SID.ir

Translate via STRS.ir: www.STRS.ir

Follow our scientific posts via our Blog: www.sid.ir/blog

Use our educational service (Courses, Workshops, Videos and etc.) via Workshop: www.sid.ir/workshop